



فهرست مطالب

۲	 سخنی در مورد عضویت کامل ایران در سازمان شاتکهای
۳	 سخنی در مورد سی و سومین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان و شهریور ۱۳۶۷
۴	 یادی از رفیق حجت آلیان (کیومرث) که جان فدا کرد اما تسلیم تبهکاران جمهوری اسلامی نشد
۵	 در بهشت پیمانکاران، سهم کارگران استثمار است
۷	 «مزد توافقی» برده داری یعنی ننویس ویرانگر
۱۰	 قطعنامه پایانی تجمع سراسری شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران
۱۱	 در جبهه نبرد طبقاتی = اخبار و گزارشات و اعتراضات کارگری شهریور ماه ۱۴۰۰
۲۰	 شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر رای بدوی شعبه ۲۶ «دادگاه انقلاب» درباره اسماعیل گرامی،
۲۱	 در حاشیه سفر امانوئل مکرون رئیس جمهور فرانسه به عراق
۲۲	 چند یادداشت کوتاه سیاسی
۲۵	 گوشه‌ای از تاریخ موسیقی ایران و نقش شجریان در تکامل آن (۱)
۲۸	 رفیقی انقلابی، یار زحمتکشان و میهن‌دوست، ما را ترک کرد
۲۹	 به مناسبت بیستمین سالگرد حمله تروریستی در نیویورک ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱
۳۰	 بازهم درباره تحولات اخیر در افغانستان و شکست امپریالیست‌های آمریکایی و ناتوئی
۳۱	 کودتا و اشغال افغانستان به دست سوسیال-امپریالیسم شوروی و توجیه نقض حقوق ملل
۳۳	 ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده
۳۴	 افزایش فقر و گرسنگی و سوء تغذیه در افغانستان، نتیجه ۲۰ سال اشغال امپریالیستی
۳۵	 گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به یک پرسش
۳۶	 پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام



سخنی در مورد عضویت کامل ایران در سازمان شانگهای

ابزارهای مالی از جمله توقیف دارایی های دلاری به کار گرفته شده در تجارت کشورهای این سازمان را کاهش خواهند داد. بر اساس اظهارات مدیر مؤسسه مالی و اوراق بهادار دانشگاه ووهان، چین و روسیه از جمله کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای هستند که به دلیل روابط سیاسی متضاد جاری بین آنها و آمریکا در شرایط کنونی، به طور خاص در برابر چنین خطراتی آسیب پذیرند و بنابراین، روابط نزدیک بین چین و روسیه و حجم زیاد معاملات بین این دو کشور، اجرای تسویه حساب های مبتنی بر ارز محلی بین آنها را آسان تر می سازد.

سوم اینکه، عضویت دایم سازمان همکاری های شانگهای نقطه آغاز رسمی استراتژی نگاه به شرق در سیاست خارجی ایران پس از شکست برجام و فشار حداکثری آمریکا در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ و ادامه این سیاست در دوره ریاست جمهوری بایدن است. حضور ایران به عنوان عضو دایم در این سازمان با توجه به فعالیت ها و همکاری های گسترده اعضای آن در حوزه های سیاسی، امنیتی، اقتصادی، بازرگانی، پولی-بانکی، انرژی و فرهنگی قطعاً فضای مناسب تری را برای تعاملات بین المللی برای ایران و ممالک مشابه فراهم خواهد آورد.

چهارم اینکه، کشورهای عضو و ناظر سازمان همکاری شانگهای مجموعاً بیشترین تولیدکننده و مصرف کننده انرژی در جهان هستند که با مساحتی در حدود یک چهارم سطح خشکی های زمین و حدود نیمی از جمعیت جهان، عملاً موجب برهم خوردن جهان تک قطبی مطلوب آمریکا و ایجاد توازن قدرت در جهان چند قطبی خواهد شد و در این بستر محاصره نظامی و اقتصادی آمریکا علیه ایران را تا حد زیادی خنثی خواهد ساخت. •

یکم اینکه، ایران روز جمعه ۱۷ سپتامبر با موافقت رهبران کشور به عضویت کامل پیمان همکاری شانگهای درآمد. پیمان شانگهای در سال ۲۰۰۱ با حضور چین، روسیه، تاجیکستان، قزاقستان، ازبکستان و قرقیزستان تاسیس شد. عضویت هند و پاکستان در سال ۲۰۱۷ در این سازمان پذیرفته شدند. سازمان همکاری شانگهای سندی در جریان برگزاری بیست و یکمین جلسه سران عضو خود توزیع کرد، این نشست همزمان با بیستمین سالگرد تاسیس سازمان همکاری شانگهای در «دوشنبه» پایتخت تاجیکستان برگزار شد. سازمان همکاری شانگهای در حال حاضر دارای ۹ عضو دایم شامل کشورهای هند، قزاقستان، چین، قرقیزستان، پاکستان، روسیه، تاجیکستان، ازبکستان و ایران است. و سه کشور افغانستان، بلاروس و مغولستان نیز به عنوان عضو ناظر و ۶ کشور آذربایجان، ارمنستان، کامبوج، نپال، ترکیه و سریلانکا نیز از شرکای گفت و گوی آن به شمار می روند.

دوم اینکه «دونگ دونگسین» مدیر مؤسسه مالی و اوراق بهادار دانشگاه ووهان، در این باره گفت که «استفاده از ارزهای محلی می تواند به کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای کمک کند تا تحریم های احتمالی آمریکا را دور بزنند و از این طریق امنیت مالی منطقه تضمین گردد». دونگ در مصاحبه با «گلوبال تایمز» افزود: «کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای با توسعه تسویه حساب های مبتنی بر ارزهای محلی، خطر مجازات از سوی آمریکا از طریق

آلیان (کیومرث)، فرهاد مهری پاشاکی از اعضای حزب کارایران (توفان) نیز هم چون خیل عظیمی از مبارزین دیگر به شهادت رسیدند. این رفقا جان تسلیم کردند اما تسلیم نشدند. درسی و سومین سالگرد فاجعه تابستان و شهریور ۶۷ یاد همه جانبختگان راه آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی را گرامی بداریم و آن را به سلاحی برای تشدید افشای بی امان رژیم خونریز و فاسد و به پیکار بر علیه امپریالیسم و نوکرانش پیوند زنیم. تنها در اینصورت است که یاد همه جانبختگان ۶۷ و ۶۰ را برای رهایی میهن از چنگال دیو صفتان میهن گرامی می داریم و راه شان را ادامه می دهیم.

سوم اینکه درسی و سومین سالگرد کشتار زندانیان سیاسی عده ای با نقاب «چپ و انقلابی» و با سواستفاده از نام و تصویر شهدا و برگزاری نمایشگاه عکس جانبختگان سازمان های انقلابی و از جمله شهدای حزب کارایران (توفان) در بیرون از سالن «دادگاه» نمایشی و بودار حمید نوری یکی از قاتلان کشتار سال ۶۷ در سوئد کارزاری را همانند «ایران تریبونال» برای محاکمه سران رژیم توسط دادگاه های امپریالیستی به راه انداختند!! سردمداران اصلی این محافل امپریالیستی، نظیر کاوه موسوی و ایرج مصداقی بیشمارانه به دنبال تشدید تحریم های اقتصادی و تجاوز نظامی به ایران هستند و از الگوی «دادگاه» میلو سوچ و صدام حسین و.... حمله به لیبی الهام می گیرند.... ما بارها طی مقالات متعدد تحلیل کرده ایم که این نمایشات و صحنه سازی های یاران امپریالیسم و صهیونیسم آنهم با نقاب «چپ» باید در متن سیاست عمومی امپریالیسم و صهیونیسم که بر ضد مردم ایران و نه جمهوری سرمایه داری اسلامی مورد قضاوت قرار گیرد.

انقض همه حقوق قانونی و به رسمیت شناخته شده بین المللی ایران که کشوری ماندگار است، تحریم غیرقانونی و ضد بشری مردم ما، ممانعت از ورود دارو به ایران حتی در زمان بیماری همه گیر کرونا، خرابکاری در پیشرفت های علمی ایران، تروریسم آشکار بر ضد دانشمندان ایرانی و تحقیر هویت ایرانی در همه عرصه ها، ساختن فیلم های ضد ایرانی در کارخانه های تبلیغاتی هالیوود بر ضد ایران، تهدید به بمباران آثار ملی و باستانی ایران توسط دونالد ترامپ ربطی به وجود جمهوری اسلامی در ایران ندارد. این راهزنان جهانی تلاش دارند از ایران یک تل خاکستر به جای بگذارند. ایران و افغانستان دو حلقه مهم ارتباط جاده ابریشم به اروپا هستند و شکستن این حلقه چه در رژیم کنونی ایران و چه در رژیم های آینده یکی از سیاست های راهبردی امپریالیسم در این منطقه است. فراموش نکنیم بهترین یاران امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه خاورمیانه عبارتند از داعش، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، کشور اسرائیل، بحرین و... نظایر آنها که همه آنها مرتجع تر و عقب مانده تر از جمهوری اسلامی ایران بوده و کارنامه ای از جنایت با خود به همراه دارند. هیچکدام از این «مبشران» حقوق بشر خواهان



سخنی در مورد سی و سومین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان و شهریور ۱۳۶۷

و سوء استفاده سیاسی از این کشتار توسط نیروهای انحرافی و پارکابی امپریالیسم

یکم اینکه سی و سومین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان و شهریور قتل عام زندانیان سیاسی را پشت سر می گذاریم. در تابستان و شهریور ۶۷، رژیم بربر منش سرمایه داری جمهوری اسلامی برای ارباب مردم و تثبیت حاکمیت سرمایه داری، اجرا و ادامه سیاست های ویرانگر نئولیبرالی عفریت مرگ را بر بالای سر زندانیان به پرواز درآورد و با بیرحمی و شقاوتی غیرقابل توصیف هزاران انسان پر امید را در بیدادگاه اسلامی تیرباران و یا به دار آویخت. رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی همانطور که وزیر اطلاعات پیشین رژیم، علی اکبر فلاحیان، در مصاحبه تلویزیونی با دهباشی صریحا بیان کرد، بقای نظام را در پاکسازی زندان ها از زندانیان سیاسی و سرکوب و ارباب "ضد انقلاب" می دید، در غیر اینصورت "دوام نمی آورد، فرومی پاشید!" اجرای "دکترین شوک" برای مقررات زدایی و لخت کردن جامعه و کوچک کردن سفره کارگران و فرودستان جامعه امری حیاتی برای نظام سرمایه داری بود. برای اساس آیت الله خمینی با یک فرمان تبهکارانه چنگال خونین خویش را بر گلوئی مخالفین و همه آزادیخواهان فرو برد جنایتی آفرید که در تاریخ معاصر ایران کم نظیر است.

دوم اینکه

در این کشتار شوم، رفقا مهدی مهرعلیان (هاشم)، حجت



یادی از رفیق حجت آلیان (کیومرث) که جان فدا کرد اما تسلیم تبهکاران جمهوری اسلامی نشد

رفیق حجت آلیان (کیومرث) در تابستان سال ۶۷ به شهادت رسید. رفیق حجت در سال ۱۳۳۵ در خانواده ای زحمتکش در شهر چالوس بدنیا آمد و از همان کودکی با ستم و بهره کشی جامعه طبقاتی آشنا گردید. به خاطر علاقه شدید به آموختن، در حین کار کردن به تحصیل پرداخت و پس از اخذ دیپلم، در سال ۱۳۵۳ برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت. رفیق کیومرث مدت کوتاهی بعد از ورود به شهر تور در فرانسه چهره محبوب ایرانیان مقیم این شهر شد. در همان اوان با سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان آشنا گردید و از آن لحظه به بعد تمام توانایی و شور انقلابی خود را در درون سازمان توفان و سپس حزب کار ایران در خدمت به آرمان طبقه خود نهاد. تا پیش از انقلاب بهمن ماه ۵۷ یکی از فعالین کنفدراسیون در صفوف فدراسیون فرانسه بود و در آستانه انقلاب به یاران حزبی خود در ایران پیوست.

رفیق "کیو" پس از بازگشت به ایران در شهر زادگاهش چالوس به گسترش هسته های حزبی پرداخت و از آنجایی که در میان مردم شهر از محبوبیت خاصی برخوردار بود از همان آغاز خشم و کینه ارتجاعیون مذهبی را متوجه خود ساخت. بارها مورد حمله اوپاشان اسلامی قرار گرفت و عاقبت هنگامی که اقامت در چالوس برایش خطری جدی به همراه داشت به دستور حزب به زندگی مخفی در تهران ادامه داد، تا اینکه در سال ۶۲ هنگام گذشتن از خیابانی در تهران بطور تصادفی شناسایی و دستگیر شد. "رفیق کیو" آنگونه که شایسته کمونیست هاست در سیاه چالهای جمهوری اسلامی به آرمان های طبقاتی خود وفادار ماند و علیرغم شکنجه های فراوان اسرار تشکیلاتی و ماهیت فعالیت های خود را پنهان داشت.

در زندان رفیق "کیو" نمونه یک کمونیست در بند ب روحیه شاد و سرزنده و امید همیشگی او به آینده تابناک زحمتکشان الهام بخش همه زندانیانی که با این رفیق روبرو رژیم جنگ و جنایت جمهوری اسلامی این لکه ننگ تاریخ بشری بعد از شکست فضاحت بار در جبهه های جنگ و بی آبرو شدن بیشتر در افکار عمومی داخلی و خارجی از روی عجز و درماندگی هجوم بربرمنشانه ای را به تلافی این شکست علیه زندانیان سیاسی در بند آغاز کرد تا بلکه بتواند وجود منحوس و فاشیستی خود را چند صباحی بیشتر حفظ کند. رفیق حجت آلیان نیز از جمله رفقای بود که در این یورش رژیم اوایل آذر ماه در زندان اوین تیرباران شد. رژیم خمینی به عبث که با جاری ساختن حمام خون در زندانها و شدت بخشیدن به سرکوب توده مردم خواهد توانست رژیم معتفن اسلامی را از سرنگونی نزدیک نجات دهد. اما جانیکاران اسلامی باید بدانند که با اعدام و ترور و شکنجه و مختنق کردن فضای جامعه تنفر و خشم عمیق توده ها را نسبت به خود صد چندان کرده اند و هم اکنون زحمتکشان میهن ما برای فرارسیدن روز موعود و تسویه حساب یتیمی. یادرفیق

حجت آلیان گرامی و راهش پر رهرو باد! •

تشکیل یک دادگاه بین المللی برای محاکمه «محمد بن اژه» نیستند. روشن است در سیاست عمومی امپریالیسم جائی برای تحقق و احترام به حقوق بشر و حمایت از آن وجود ندارد. کینه امپریالیسم و صهیونیسم نسبت به جمهوری سرمایه داری اسلامی تنها و تنها به این علت است که این رژیم حاضر نیست مانند رژیم منفور محمد رضا پهلوی به سرسپرده وفادار آنها بدل شده و اسرائیل جنایتکار را به رسمیت بشناسد. ارزیابی از صحنه سازی های سوئد را باید در این متن قرارداد. «دادگاه استکهلم» دادگاهی برای اجرای عدالت نیست دادگاهی در خدمت مقاصد تبلیغاتی و تجاوزکارانه امپریالیست هاست و مبارزه انقلابی بر ضد ارتجاع حاکم در ایران را مخدوش می کند. هیچ نیروی ایران دوست و انقلابی نمی تواند به عنوان دست دراز شده امپریالیسم و صهیونیسم عمل کند.

صحنه سازی سوئد به یاری فرقه رجوی، رضا پهلوی، سازمانهای جاسوسی و برخی از محافل ظاهرا چپ سرهم شده است و می خواهد خود را مدافع «خلق ایران» جا بزند و با سواستفاده از احساسات پاک خانواده های جانبختگان کشتار دهه ۶۰ و تابستان و شهریور سال ۶۷ به مقاصد پلید خود دست یابد. این دادگاه ها دستشان به خون ملتها آلوده است و مشروعیت محاکمه قاتلان و شکنجه گران را ندارند. این جریانات منحرف و حامی دادگاه های امپریالیستی حق استفاده از شهدای حزب ما را که بخاطر مبارزه علیه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و مبارزه بر علیه امپریالیسم و برای استقرار سوسیالیسم و حفظ یکپارچگی ایران جانباخته اند، ندارند. این یک سیاست تبهکارانه و مغایر با همه اصول انسانی و حقوق بشر است که عده ای با بی پرستی و کاسبکارانه و با شیوه های غیر اخلاقی و ماکیاویالیستی تصاویر شهدای حزب ما را در جهت اهداف و منافع پست و حقیر خود مورد بهره برداری قرار دهند. این محافل خود فروخته سیاسی که با نقاب «چپ» به میدان آمده اند باید پاسخگوی اعمال زشت و خائنانه خود باشند. در سی و سومین سالگرد کشتار زندانیان سیاسی باردیگر تاکید می کنیم که فقط دادگاه خلق حق محاکمه و مجازات جنایتکارانی نظیر نوری، رئیسی و خامنه ای و همه کسانی که دستشان به خون مردم ایران آغشته است را دارد، دادگاهی که با سرنگونی انقلابی رژیم سرمایه داری و جنایتکار جمهوری اسلامی و بدست توانای مردم ایران امکان پذیر است. این دادگاه هم صاحبان قدرت در ایران را محاکمه خواهد کرد و هم همدستان امپریالیست ها را که در خارج از کشور بر ضد مردم ایران با تبلیغ و توجیه سیاست تحریم، تهدید و تجاوز به ایران فعال بوده و با اخاذی از بیگانه به عمر آلوده خود ادامه می دهند. •

رسیده اند که به تشکیلات نیاز هست، تشکیلاتی که بافتش دموکراتیک، اهدافش روشن و از حقوق صنفی و طبقاتی آنها دفاع می نماید و آنها را به پیروزی می رساند. از این اشتیاق باید استقبال کرد و به یاری آنها شتافت. حزب ما این اشتیاق عمومی را که باید تشکیلات داشت تا بردشمن غلبه نمود به خوبی حس می کند. در ایران اتحادیه نیرومند کارگری مستقل که بتواند به صورت قانونی مبارزه کند، وجود ندارد. رژیم جمهوری اسلامی نیز از پیدایش اتحادیه های مستقل کارگری جلوگیری می کند. اما نباید بخاطر فشار و سرکوبگری های رژیم مایوس شد و از این وظیفه مهم دست کشید بجای تلاش در جهت تشکیل اتحادیه های مستقل بعنوان یک ضرورت مبرم، به شعارهای انحرافی "لغو فوری استعمار و حکومت شورایی و تصرف کودکان کارخانه" توسل جست. ضربات چنین چپ رویهایی ماهیتا با راست روی ها و همدستی با نیروهای سرمایه داری حاکم و اتحادیه های فرمایشی زرد یکی است، به شکست کشاندن مبارزه کارگران. باید هوشیار بود و با توجه به توازن قوای طبقاتی به نیاز کارگران پاسخ داد. در زیر این گزارش کارگری را بخوانید!

هیات تحریریه

«در جزیره و در محاصره ای آنها روزهای یکنواخت و کسالت آوری را می گذرانند. نه تفریحی و نه حتی امیدی برای دیدار با خانواده بعد از یک دوره ی کاری سخت. به گفته ی خودشان «جزیره مثل زندان است»». به گزارش خبرنگار ایلنا، هفت روز هفته بی وقفه کار می کنند، ۳۰ روز ماه را بدون حتی یک روز تعطیلی می گذرانند و ۶۰ - ۷۰ روز خانوادگی خود را نمی بینند. در مورد تاریخ استعمار و حوادث قرن ها پیش صحبت نمی کنیم، از وضعیت امروز کارگران پیمانکاری پایانه ی نفتی خارک می گوئیم.

یکی از رانندگان مجموعه ی استیجاری شرکت پایانه ی نفتی خارک به نمایندگی از دیگر همکارانش با ما تماس گرفت و از سختی های کار با پیمانکار و اجبار برای کار مداوم و بی وقفه گفت: «ما در جزیره ی خارک هستیم، در اینجا نه یک روز مرخصی داریم، نه خوابگاه و نه حتی غذا...»

مجازات اعتراض: تهدید به اخراج و تعلیق از کار صحبت های خود را با این جمله که «باید موقعیت اینجا را ببینید تا آنچه را که می گوئیم احساس کنید...» ادامه می دهد: «حدود ۶۰ روز است که زن و بچه ام را ندیده ام. برای مرخصی، دائم درخواست می دهم اما می گویند نیرو نداریم و باید پای کار باشی. مگر می شود؟! باور کنید تمام این ۶۰ روز را کار کرده ام، نه تنها من که خیلی از همکارانم همین طور کار می کنند بدون اینکه فرصتی برای رفتن به خانه داشته باشند.»

قانون ۱۴ - ۱۴ و یا حتی ۲۰ - ۱۰ یعنی چهارده یا بیست روز کار و چهارده یا ده روز تعطیلی فقط مختص کارگران رسمی و قراردادی شرکت نفت است و کارگران پیمانکاری از آن



در بهشت پیمانکاران، سهم کارگران استعمار است

گزارشی که در مورد وضعیت مصیبت بار کارگران از نظر خوانندگانی گرامی میگذرد از خانم زهرا معرفت خبرنگار رسمی ایلناست که بخشی از حقایق غیر قابل انکار استعمار شدید کارگران توسط پیمانکاران را بازتاب می دهد.

سیاستهای تعدیل اقتصادی جمهوری اسلامی که همان اجرای نئولیبرالیسم در ایران است کارگران را به روز سیاه نشانده و راه برگشتی پیش روی نظام سرمایه داری برای متوقف کردن این سیاست ارتجاعی باقی نگذاشته است.

منافع نظام با سیاست سرمایه داری نئولیبرالی گره خورده است و تنها در بستر یک جنبش نیرومند توده ای می توان آن را در عرصه هایی به عقب راند. واقعیت این است که اعتراضات کارگری و جنبش خودجوش دوده ده اخیر در ایران با این گستردگی و پراکندگی در شعارها و اهداف و دورنماها، علیرغم موفقیت هایی در گوشه و کنار جامعه اما به روشنی نشان داد، که کمبود رهبری سیاسی که چشم انداز روشنی به کارگران ارائه دهد به شدت حس می شود. کارگران با گوشت و پوست خود این کمبود را حس کرده و بر زبان می آورند، اعتصاب می کنند، در اشکال مختلف دست به اعتراض می زنند اما فاقد تشکل هستند.

فاقد اتحادیه های مستقل و نیرومند هستند که بتوانند با ساز و کار تشکیلات و اعتصابات هدف مند و در پیوند با سایر اقشار مردم رژیم سرمایه داری را به عقب به رانند. تشنیت فکری و ذهن شلوغ در صفوف مدعیان طبقه کارگر و انحرافات آنارکوسندیکالیستی و عدم درک صحیح از فعالیت صنفی و سندیکایی و التقاطی در اصول و مبانی حزبی و سندیکایی و خورده کاریهای روزمره عملا کارگران را دچار سردرگمی و بن بست کرده است. بی شک تمایل به داشتن تشکیلات در بسیاری از کارگران به چشم می خورد و این کارگران در روند شناخت، مرحله حسی را پشت سر گذارده به این نتیجه

چه فواصلی به مرخصی بروند، همه به تصمیم پیمانکاران بستگی دارد و چیزی به عنوان قانون کار در آنجا معنا ندارد. کوچکترین اعتراضی باعث اخراج کارگر می شود و یا ممکن است کارفرما موضوع را گزارش کند و کارگران با زندان و شلاق مواجه شوند.

این فعال کارگری در مورد بهره کشی پیمانکاران از کارگران می گوید: پیمانکاران باید طی مدت زمان مشخصی، کار را تحویل بدهند به همین دلیل از کارگرها اضافه کاری های بسیاری می خواهند. ما حتی بعضی وقت ها ۱۶ ساعت در روز کار می کردیم و بابت این اضافه کاری ها هم پولی دریافت نمی کردیم.

وی می گوید: گاهی اوقات کارگران مجبور بودند تا ۵ ماه بدون تعطیلی کار کنند چراکه پیمانکار به لحاظ زمانبندی تحویل کار عقب بود و به کارگر اجازه ای مرخصی نمی داد. آغاجری زندگی کارگران پیمانکاری را فاجعه می داند و می گوید: فشار و سختی کار روی این کارگران به قدری زیاد است که برخی از آن ها را به سمت اعتیاد می کشاند. این نوع کار خانواده های زیادی را متلاشی می کند و بدبختی هر روز ابعاد بیشتری برای آن ها پیدا می کند.

سخن آخر

پیمانکاران تنها به سود خود می اندیشند و کارگران صرفا وسیله ای هستند برای رسیدن آن ها به منویات خود. قانون، قانون بازار است! اگر چه به نظر نمی رسد در نولیبرال ترین اقتصادها نیز چنین استثماری را بتوان سراغ گرفت. آنجا قوانین آنطور که نوشته شده، اجرا می شود اینجا اما قوانین فقط نوشته می شود و آنطور که قدرتمندان بخواهند اجرا می شود.

در چنین شرایطی است که عده ای هر روز بر طبل اصلاح قانون کار و حمایت از کارفرما برای رشد تولید و ایجاد اشتغال می کوبند. ظاهرا آن ها حتی نمی خواهند در قانون کار کوچکترین مفادی در حمایت از کارگران وجود داشته باشد. اما با این وضعیت آیا نباید خیالشان راحت باشد؟ به راستی آن ها قانون کار را تا این اندازه خطرناک و ضمانت اجرایی آن را آنقدر قوی می دانند که تمام هم و غمشان را برای اصلاح آن گذاشته اند؟»

بی بهره اند. قانون آن ها قانون پیمانکار است و باید به تمام آنچه او می گوید تن دهند؛ حتی اگر اراده ای کارفرما این باشد که کارگر هر روز هفته بیش از ده ساعت کار کند و ماه ها به مرخصی نرود!

می گوید اگر اعتراض کنیم یا تهدید به اخراج می شویم و یا از کار تعلیقمان می کنند: «با کوچکترین اعتراضی ما را تهدید می کنند که برایتان پرونده می سازیم که می خواهید شورش کنید و بعد اخراجتان می کنیم. حتی اگر اخراج نکنند تعلیقمان می کنند؛ اگر تعلیق شویم، مجبوریم مدت ها در اتاق بخوابیم و بعد هم التماس کنیم تا ما را به کار برگردانند.»

۷۰ روز کار بی وقفه در جزیره ای که مثل زندان است در جزیره و در محاصره ای آب ها روزهای یکنواخت و کسالت آوری را می گذرانند. نه تفریحی و نه حتی امیدی برای دیدار با خانواده بعد از یک دوره ی کاری سخت. به گفته ی خودشان «جزیره مثل زندان است...»

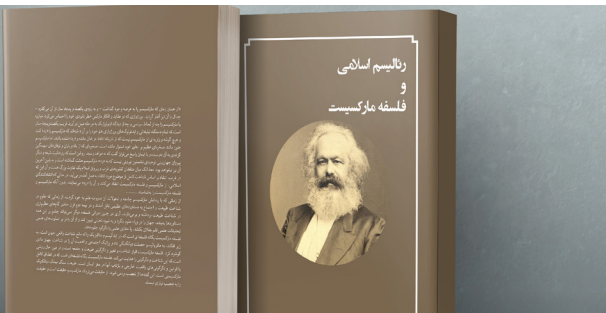
از او می پرسیم پس در طول یک سال چگونه به مرخصی می روید و چه زمانی خانواده ی خود را می بینید؟ می گوید: «معمولا بعد از ۶۰ - ۷۰ روز کار بی وقفه، ده روز مرخصی بدون حقوق به ما می دهند. البته اگر کارفرما بخواهد. یعنی روال این نیست که همیشه بعد از این مدت مرخصی بگیریم. همه چیز را پیمانکار تعیین می کند.»

قانون همان است که پیمانکاران می گویند. جزیره ای که نه قانون کار در آن معنا دارد و نه نظارتی بر عملکرد پیمانکاران وجود دارد؛ بهشتی برای سرمایه داران رانتی و خودمانی که می توانند با خیال راحت سهم خود را از سفره ی پهن شده به جیب بزنند. پیمانکارانی که برای بالا و بالاتر رفتن، پایشان را بر گردن کارگران می گذارند. آن ها هر چه بیشتر بتازند، سرمایه ی بیشتری نصیبشان می شود.

جزیره به همان اندازه که بهشتی برای پیمانکاران است، جهنمی است برای کارگران؛ کارگرانی که نصیبشان از این همه کار، حقوقی حداقلی و حسرتی برای دیدن خانواده شان است. کارگرانی افسرده که محکوم به کارند و زندگی نمی کنند: «وقتی حتی نمی توانم دو ماه یکبار هم فرزندانم را ببینم دیگر دل و دماغی برای زندگی کردن ندارم. سالهاست که اینجا کار می کنم اما احساس می کنم که دیگر توانی ندارم. هم ما و هم خانواده هایمان افسرده شده ایم...»

حرف، حرف پیمانکار است / قانون کار معنا ندارد ناصر آغاجری (فعال کارگری پروژه ای) که خود نیز در این مناطق کار کرده است، با اشاره به وضعیت بسیار بد کارگران این مناطق به ایلا می گوید: آنچه کارگران می گویند کاملاً درست است. زمانی که من در این منطقه بودم وضعیت اینگونه بود که ما ۲۵ روز کار می کردیم و ۵ روز به مرخصی می رفتیم و بعد پول ۲۵ روز را به ما می دادند. از طرفی ما مجبور بودیم تمام جمعه ها پای کار باشیم.

آغاجری می گوید: تعطیلی کارگران و اینکه کارگران با



جهت تهیه این اثر با ارزش از رفیق دکتر فروتن با ما تماس حاصل فرمائید



«مزد توافقی» برده داری یعنی نئولیبرالیسم ویرانگر

اکبر شوکت از هیئت امنای تامین اجتماعی اخیرا در گفتگو با ایلنا درواکنش به سیاست های دولت رئیسی در خصوص سیاست های سازمان تامین اجتماعی گفت: «وقتی سبد معیشت از ده میلیون بالاتر است و حداقل حقوق تنها ۳۵ درصد از آن را پوشش می دهد، چگونه می توانیم از مزد توافقی صحبت کنیم؟ با این حقوق کارگر باید از خیلی از هزینه های اساسی خود بزند. این کارشناس مجری که حقوق ده یا چند ده میلیونی می گیرد و نماینده ای که هم حقوق ده یا چند ده میلیونی مجلس را دارد و هم خارج از مجلس برای خودش کسب و کاری راه انداخته، نمی تواند خود را جای کارگر بگذارد و ببیند او چه وضعیتی دارد»

اکبر شوکت در ادامه گفت: «در حال حاضر در خیلی از شهرک های صنعتی کارفرمایان به دنبال کارگر می گردند، اما کارگران وقتی می بینند که در این کشور ارزشگذاری به سمت دلالی و واسطه گری و تا حدودی کارهای خدماتی است و وقتی می بینند با ده روز کار در این حوزه ها می توانند حقوق کل ماه یک کارگر را به دست بیاورند، دیگر رغبتی برای کار کردن در حوزه های مولد ندارند. بهبود فضای کسب و کار، ایجاد اشتغال و افزایش تولید از مجرای اصلاح قانون کار و قانون تامین اجتماعی بحثی است که بارها از طرف مسئولان و نمایندگان مجلس مطرح شده است. به تازگی نیز صداوسیما در برنامه ای تحت عنوان «چشم انداز» به این موضوع پرداخته و

بر اصلاح این قوانین به عنوان یکی از راه های اساسی کمک به کارفرمایان برای افزایش تولید و ایجاد اشتغال تاکید دارد. بنظر می رسد عده ای می خواهند نظام سرمایه داری ظالم را بر کشور حاکم کنند، البته همین الان هم در چنین وضعیتی هستیم اما ظاهرا می خواهند همین اندک قوانین حمایتی هم از بین برود و به برده داری وحشتناک برسیم».

بنظر می رسد آقای اکبر شوکت نمی داند یا خود را به نادانی زده است که نظام سرمایه داری در ایران سال هاست بر کشور حاکم است و رژیم جمهوری اسلامی مجری سیاست های سرمایه داران و سیاست سرمایه داری نئولیبرالی است. وقتی آقای اکبر شوکت از اندک قوانین حمایتی صحبت می کند یعنی نه تنها این نظام سرمایه داری ستمگر حاکم است بلکه دارد یکه تازی و غارت هم می کند! اکبر شوکت به عنوان کسی که در نقش نماینده کارگران در هیات امنای سازمان تامین اجتماعی ظاهر شده است وظیفه دارد در درجه نخست از بابت حضور در هیات امنای کارگران پوزش بخواهد زیرا که هیات امنای بطور غیر قانونی جایگزین شورای عالی تامین اجتماعی شده است و این قدم تسلط بیشتر سرمایه داری ظالم بر منابعی است که از سرمایه بین النسل کارگران ایجاد شده است. شرط اول نشان دادن نمایندگی واقعی تلاش برای اعمال نظارت های جدی و حداکثری کارگران در شورای عالی تامین اجتماعی و مبارزه با هرگونه اعمال اراده ی سرمایه داری بر آن است. آنچه در سه دهه اخیر در ایران حاکم است سیاست سرمایه دارانه خشن نئولیبرالی است که شیره کارگران را کشیده و سیستم برده داری را در ایران حاکم کرده است. راه نجات از این وضعیت فلاکتبار در درجه نخست ایجاد اتحادیه های مستقل کارگری و توده ای و حضور فعالشان در محل کار است تا بتوانند متحدانه در مقابل تعرض افسارگسیخته سرمایداران بایستند و از حقوق دمکراتیک و صنفی شان دفاع کنند. مبارزه پراکنده بدون تشکیلات و چشمانداز روشن ره به جایی نخواهد برد. به این گفتگو توجه کنید!

**تعجب کارشناسان سازمان جهانی تامین اجتماعی از قوانین
مداخله گرایانه ی مجلس و دولت**

برخی از نمایندگان به قوانین اشراف ندارند

اکبر شوکت (عضو کارگری هیات امنای تامین اجتماعی) در خصوص تاکید عده ای بر تغییر قوانین کار و تامین اجتماعی می گوید: ببینید سازمان تامین اجتماعی یکسری محاسبات

اکچوئری دارد که در کل دنیا مرسوم است. به عبارتی با توجه به وضعیت اشتغال، سن امید به زندگی، وضعیت درمانی، رفاه، میزان مرگ و میر و میزان حوادث در جامعه محاسباتی انجام می‌شود و براساس آن، سنی به عنوان سن بازنشستگی و معیاری برای پرداخت حق بیمه مشخص می‌شود و در نهایت مبلغی که کارگر و کارفرما باید به عنوان حق بیمه پرداخت کند، تعیین می‌شود. این محاسبات در کشور ما نیز انجام شده و مربوط به سال ۵۲ است، یعنی ۴۸ سال از آن می‌گذرد و اتفاقاً اگر ما بخواهیم آن را به‌روز کنیم سازمان تامین اجتماعی باید مبلغی بیشتر به عنوان حق بیمه دریافت کند.

شوکت ادامه داد: نمایندگان که به دنبال تغییر قانون هستند، در سفرهای خارجی خود بروند ببینند برچه مبنایی این حق بیمه‌ها دریافت می‌شود و چه امکانات و خدماتی به آن مجموعه‌ها داده می‌شود. متأسفانه نمایندگان مجلس ما بر قوانین تسلط ندارند و متوجه موضوع نیستند. ما در زمان ریاست آقای لاریجانی در مجلس از ایشان خواستیم حداقل یک دوره‌ی آموزش قانون برای نمایندگان بگذارند که بدانند قانون و قانونگذاری چیست و چه تاثیری می‌تواند روی مسائل مختلف از جمله معیشت مردم داشته باشد.

وی افزود: خیلی از این نمایندگان به قانون تامین اجتماعی آگاهی ندارند و فقط چون زمانی حق بیمه‌ای به سازمان پرداخت کرده‌اند، این زخمی شده بر پیکر نماینده و می‌خواهد هر جور شده این زخم را جبران کند. سازمان تامین اجتماعی بر مبنای قوانینی ایجاد شده است که نمایندگان مجلس پیش از انقلاب اتفاقاً کارشناسانه آن تصویب کرده‌اند.

عضو کارگری هیات امنای تامین اجتماعی بیان کرد: چند سال پیش مرحوم نوربخش، کارشناسان سازمان جهانی تامین اجتماعی و سازمان جهانی کار را به ایران دعوت کرد تا وضعیت دریافت حق بیمه را بررسی کنند. برای آن‌ها عجیب بود که چرا نمایندگان مجلس و دولت به صورت مداخله‌گرایانه قوانینی را برای تامین اجتماعی گذاشته بودند بدون اینکه بار مالی آن را ببینند. آن‌ها می‌گفتند این اقدامات اصلاً عقلانی نیست.

دستمزد پایین فعالیت‌های مولد، دستمزد بالای فعالیت‌های دلالانه کارگران رغبتی به کار در محیط‌های تولیدی ندارند

شوکت با اشاره به اقدامات سازمان تامین اجتماعی در کشورهای دیگر گفت: در زمان آقای نوربخش همچنین قراردادی با سازمان تامین اجتماعی آلمان در خصوص حوادث ناشی از کار بسته شد؛ کارشناسانی که به آنجا رفتند، دیدند در

آلمان بیمارستان‌های ویژه‌ی حوادث ناشی از کار وجود دارد. یعنی علاوه بر اینکه در زمینه پیشگیری فوق‌العاده سختگیرانه عمل می‌کنند و حوادث کار را نزدیک به صفر رسانده‌اند، در حوزه‌ی درمان نیز بیمارستان‌هایی دارند که کارگر را تا مرحله‌ی بازگشت به کارگاه آماده می‌کنند. ببینید آن‌ها چقدر برای نیروی انسانی ارزش قائل می‌شوند؛ اما اینجا صداوسیما کارشناسانی می‌آورد که تمام هم و غمش کوبیدن نیروی کار است.

وی با بیان اینکه قانون کار به درستی اجرا نمی‌شود، گفت: سیاستهای کلان دولت‌ها و قوانین اشتباهی که نمایندگان مجلس وضع کرده‌اند کار را به جایی رسانده که امروز هیچ کارگری حتی رغبتی به کار کردن در محیط‌های تولیدی و مولد ندارد.

شوکت اظهار کرد: در حال حاضر در خیلی از شهرک‌های صنعتی کارفرمایان به دنبال کارگر می‌گردند، اما کارگران وقتی می‌بینند که در این کشور ارزشگذاری به سمت دلالی و واسطه‌گری و تاحدودی کارهای خدماتی است و وقتی می‌بینند با ده روز کار در این حوزه‌ها می‌تواند حقوق کل ماه یک کارگر را به دست بیاورند، دیگر رغبتی برای کار کردن در حوزه‌های مولد ندارند.

عضو کارگری هیات امنای تامین اجتماعی تصریح کرد: صداوسیما چرا زمانی که سیاستهایی در راستای حمایت از واسطه‌گری و دلالی انجام می‌شد، سکوت کرده بود؟ آن زمان به فکر افزایش تولید نبود؟ چرا نمایندگان به جای اینکه به این مسائل فکر کنند به قانون کار و تامین اجتماعی حمله می‌کنند؟

قانون کار نصفه و نیمه اجرا می‌شود. عده‌ای به دنبال پیاده کردن نظام برده‌داری هستند

شوکت تاکید کرد: اگر همین قانون کار که به شکل نصفه و نیمه از کارگران حمایت می‌کند هم حذف شود، دیگر هیچ کارگری حاضر نخواهد بود در حوزه‌های مولد کار کند. خود نمایندگان می‌دانند که قانون کار درست اجرا نمی‌شود که اگر به درستی اجرا می‌شد، اتفاقاً هم کارفرما و هم کارگر راضی می‌شدند. ما به جای اینکه به کارفرما بگوییم برای نیروی انسانی ارزش قائل شود و شخصیت و کرامت او را حفظ کند، با ضربه به قانون کار همین حقوق حداقلی را هم می‌خواهیم از او بگیریم؟

وی با اشاره به دستمزد پایین کارگران گفت: وقتی سید معیشت از ده میلیون بالاتر است و حداقل حقوق تنها ۳۵ درصد از آن را

پوشش می‌دهد، چگونه می‌توانیم از مزد توافقی صحبت کنیم؟ با این حقوق کارگر باید از خیلی از هزینه‌های اساسی خود بزند. این کارشناس مجری که حقوق ده یا چند ده میلیونی می‌گیرد و نماینده‌ای که هم حقوق ده یا چند ده میلیونی مجلس را دارد و هم خارج از مجلس برای خودش کسب و کاری راه انداخته، نمی‌تواند خود را جای کارگر بگذارد و ببیند او چه وضعیتی دارد.

شوکت تصریح کرد: به نظر می‌رسد عده‌ای می‌خواهند نظام سرمایه‌داری ظالم را بر کشور حاکم کنند، البته همین الان هم در چنین وضعیتی هستیم اما ظاهراً می‌خواهند همین اندک قوانین حمایتی هم از بین برود و به برده‌داری وحشتناک برسیم. عضو کارگری هیئت امنای تامین اجتماعی تاکید کرد: انتهای این مسیری که این افراد از آن صحبت می‌کنند و با ابزار تبلیغاتی صدا و سیما به دنبال موجه نشان دادن آن هستند، چیزی جز افزایش فقر و فلاکت در جامعه و بزرگ‌تر شدن نهادهایی چون کمیته‌ای امداد و بهزیستی نیست.

نمایندگان مجلس دائم به وزیر کار آدم معرفی می‌کنند! شوکت در واکنش ادعای برخی مبنی بر اینکه چون تامین اجتماعی درگیر فساد است پس قانون آن باید تغییر کند، گفت: اول اینکه سازمان تامین اجتماعی یک سازمان درآمد - هزینه است. به هر حال در این سازمان به این بزرگی تخلفاتی هم پیدا می‌شود و این تخلفات اتفاقاً ناشی از همین دخالت نمایندگان مجلس است.

وی ادامه داد: من از همین صداوسیما می‌خواهم دوربین‌های خود را روبه‌روی درهای وزارت کار بگذارد تا ببیند روزانه چند نماینده مجلس، پرونده به دست وارد وزارت کار می‌شوند. نمایندگان مجلس دائم به وزیر کار آدم معرفی می‌کنند و جا مشخص می‌کنند؛ مثلاً می‌گویند فلان فرد را مدیرعامل فلان هلدینگ کند! ما دو جلسه با وزیر کار داشتیم که در هر دو جلسه نمایندگان می‌آمدند و وزیر کار مجبور بود برود پیش آن‌ها. اگر نمایندگان پیگیری حوزه‌ی انتخابیه‌ی خود هستند چرا در در مجلس آن را پیگیری نمی‌کنند؟ آیا باید حتماً به صورت خصوصی وزیر کار را ببینند؟

شوکت تصریح کرد: این‌ها تخلفات و فساد به وجود می‌آورد. اتفاقاً ما فکر می‌کنیم اگر اختیارات تام دست بدنه‌ی تامین اجتماعی باشد، آدم‌های متخصص‌تری روی کار می‌آیند. باید سامانه‌های شفافیت را گسترش دهیم تا اقدامات هر کسی مشخص شود و اگر کسی که به عنوان هیئت مدیره می‌نشیند، معرفش نیز مشخص باشد. من فکر می‌کنم اگر معرف‌ها معلوم باشند می‌بینیم که نصف آن‌ها را نمایندگان مجلس معرفی

کرده‌اند.

عضو کارگری هیئت امنای تامین اجتماعی افزود: اگر تخلفی هم وجود دارد، بخش زیادی از آن ناشی از همین دخالت عوامل بیرونی است. البته اگر میزان این تخلفات را به نسبت درآمدها و هزینه‌ها مقایسه کنیم، عدد ناچیزی می‌شود. در هر حال این موضوع بهانه‌ی خوبی برای تغییر قانون نیست. بدهی تامین اجتماعی به بانک‌ها از مرز ۵۰ - ۶۰ هزار میلیارد تومان فراتر رفته است

وی تاکید کرد: تامین اجتماعی متعلق به کارگران است؛ همین الان تامین اجتماعی ماهیانه ۳ - ۴ هزار میلیارد تومان کسری بودجه دارد و وام با بهره‌ی ۳۵ درصد گرفته است. اگر می‌خواهند این وضعیت را بدتر کنند، قانون را تغییر دهند اما بدانند که خشک و تر با هم می‌سوزد و بالاخره سر شلاقی که بر تن کارگران می‌زنند در نهایت به آن‌ها هم می‌خورد.

شوکت تصریح کرد: من اخباری دارم که متأسفانه بدهی تامین اجتماعی به بانک‌ها از مرز ۵۰ - ۶۰ هزار میلیارد تومان فراتر رفته و به اموال فروشی روی آورده است. حال این روزهای سازمان، حال انسانی است که لباس خود را می‌فروشد تا شکم خود را سیر کند. نمی‌دانم چه چیزی از تامین اجتماعی باقی مانده که اینها چشم طمع به آن دوخته‌اند.

وی بیان کرد: الان باید عاقلانه تصمیم گرفت و به فریاد سازمان تامین اجتماعی رسید. باید برای پرداخت بدهی دولت به تامین اجتماعی تصمیم گرفت نه اینکه صداوسیما برنامه‌ای بگذارد و این سازمان را بگوید. دیگر چیزی از این سازمان نمانده است. شوکت بیان کرد: کارگران به اندازه‌ی کافی از تصمیمات و سیاستهای غلط سیاستگذاران آسیب دیده‌اند. کارفرمایان نباید فکر کنند که با تغییر قوانین منفعت می‌کنند بلکه برعکس آن‌ها نیز به شدت از این روند آسیب خواهند دید.

وی ادامه داد: دولت آقای رئیسی فعلاً اول راه است و ما امیدواریم وارد بازی آسیب‌زدن به سازمان تامین اجتماعی و کارگران نشود. وزیر کار نیز تازه سازمان را تحویل گرفته‌اند، من مطمئن هستم ایشان بعد از اینکه بر مسند بنشینند متوجه خواهند شد که حوزه‌ی اجرا و کارشناسی با هم فرق دارد.

عضو کارگری هیئت امنای تامین اجتماعی در پایان تاکید کرد: خدمت به کارگران این نیست که قانون کار را به نفع دلال‌ها و واسطه‌ها و قانون تامین اجتماعی را به نفع کارفرمایان تغییر دهیم؛ اتفاقاً اسم این کار خیانت به کارگران است.

گفتگوی اکبر شوکت با ایلنا چهارشنبه ۳۱ شهریور ۱۴۰۰ •



قطعه نامه پایانی تجمع سراسری شورای هماهنگی تشکلات صنفی فرهنگیان ایران

فراخوان شورای هماهنگی تشکلات صنفی فرهنگیان ایران روزشنبه سوم مهرماه معلمان سراسر کشور در راستای طرح مطالبات خود دست به تجمع اعتراض سراسری زدند. شورای هماهنگی با انتشار بیانیه پایانی این تجمع با قید ۱۰ بند بطور روشن از اتمام خواسته های معلمان کشور یادآور شده است که فرب و وعده های بی پشتوانه و تکراری مسئولان را نخورده و تا اعمال خواسته های مطرح شده، این اعتراضات را ادامه خواهد داد و در فراخوان های بعدی به استحضار جامعه معلمان کشور و مردم ایران خواهد رساند.

طبق گزارشات دریافتی؛ تجمعات صنفی معلمان، امروز سوم مهرماه همزمان در تهران و دهها شهر دیگر ایران برگزار شد. ادارات آموزش و پرورش شهرهای سندج، خرم آباد، مریوان، کرج، رشت، کرمانشاه، سقز، بجنورد، اصفهان، مشهد، ماهشهر، بهبهان، لامرد، ایلام، کوهدشت، تربت حیدریه و کهگیلویه بویراحمد، آبادان، شیراز و چند شهر به محل تجمع معلمان معترض تبدیل شده بود. در زیر متن کامل این قطعه نامه که یک روز قبل از این تجمع منتشر شده است را ملاحظه فرمائید.

متن کامل قطعه نامه در زیر می آید:

ضمن شادباش به جامعه بزرگ تعلیم و تربیت، معلمان عزیز، دانش آموزان گرامی و والدین محترم به مناسبت بازگشایی مدارس.

ما فرهنگیان شاغل و بازنشسته شنبه، سوم مهرماه ۱۴۰۰ در سراسر کشور، بار دیگر با فراخوان شورای هماهنگی تشکلات صنفی فرهنگیان ایران به دادخواهی حقوق از دست رفته خود دست به تجمع زده ایم، بلکه این بار دولت و مجلس از خواب غفلت بیدار شده و به این فریادها و خواسته ها جامه عمل پوشاند.

مطالباتی که همواره برخاسته از بطن جامعه ی معلمان، دانش آموزان و خانواده ها؛ منطبق بر قانون و همراستا با منافع و مصالح عمومی ملت و کشور است اما مورد بی توجهی نهادهای حاکمیتی بوده است.

متأسفانه همواره شاهد بوده ایم، بحث آموزش و پرورش به ویژه معیشت فرهنگیان دستخوش مناقشات و گرو کشی های جناح های مختلف

حکومتی بوده و محلی برای تسویه حساب های حزبی و باندی شده است. اینکه همواره پیش از انتخابات و جابجایی دولت ها، وعده و وعیدها و شعارها در باره ی بهبود وضعیت آموزش و پرورش و معیشت معلمان مطرح می شود به نوعی تحقیر جامعه فرهنگی و به سخره گرفتن احساسات، عواطف و اعتبار این قشر مهم و تأثیرگذار است. بی توجهی به منزلت و معیشت متولیان تعلیم و تربیت، نیز از این اندیشه نشأت می گیرد. و بین ادعا و عمل مسئولان ارشد حکومت تناقض آشکار وجود دارد. از سویی گسترش خصوصی سازی، پولی و تجاری سازی آموزش، کیفیت زدایی از آموزش، بی توجهی به اصل سیام قانون اساسی و به محاق بردن آموزش رایگان، بویژه در دوران آموزش مجازی باعث طرد دانش آموزان از مدرسه و ترک تحصیل میلیون ها کودک در سن تحصیل شده است. مولفه های فوق نشانگر نوع نگاه حاکمیت به معلم و دانش آموز و نهاد مدرسه به عنوان نهاد انسان ساز است، که جای بسی تأسف دارد. بدیهی است شورای هماهنگی تشکلات صنفی فرهنگیان ایران و کانون های صنفی و انجمن های صنفی مستقل عضو شورا به پشتوانه و نمایندگی خیل عظیمی از همکاران خود در جای جای کشور، اجازه نخواهند داد بیش از این کجروی ها و مانع تراشی ها مانع استیفای حقوق معلمان، دانش آموزان و اولیاء شود، در این راستا مهم ترین خواسته های خود را به شرح ذیل اعلام می دارد:

۱. اجرای نظام رتبه بندی بر اساس ۸۰ درصد حقوق هیئت علمی دانشگاه ها. اجرای رتبه بندی باید نیروهای خرید خدماتی و نیروهای خدماتی را شامل شود. صاحبان مدارس خصوصی باید حقوق معلمان بخش خصوصی را با توجه به نظام رتبه بندی پرداخت نمایند.

۲. همسان سازی کامل و دقیق حقوق بازنشستگان محترم طبق قانون مدیریت خدمات کشوری و پرداخت بدهی سال های گذشته دولت به آنها.

۳. اجرای کامل و بدون تبعیض فوق العاده ویژه برای تمام فرهنگیان به گونه ای که حقوق معلمان تازه استخدام تامین گردد.

۴. پرداخت حقوق بازنشستگی، بازنشستگان محترم سال ۱۳۹۹

۵. توجه ویژه به درخواست های کارنامه سبزه و ایجاد امنیت شغلی نیروهای خرید خدماتی، مریان پیش دبستانی و مریان نهضت

سوادآموزی و معلمان شاغل در بخش خصوصی

۶. ایجاد بستری امن برای بازگشایی مدارس در این اوضاع کرونا، به گونه ای که در زودترین زمان ممکن، امکان بازگشایی حضوری مدارس فراهم شود، استفاده از واکسن معتبر و رایگان، ایجاد فضای فیزیکی با رعایت فاصله گذاری بهداشتی و تامین ماسک و مواد ضد عفونی کننده رایگان برای دانش آموزان و معلمان در امر بازگشایی مؤثر است. بی شک اگر قرار بر ادامه آموزش به صورت مجازی باشد باید تجهیزات ضروری، شامل گوشی هوشمند و اینترنت رایگان، برای تمام فرهنگیان و دانش آموزان فراهم گردد.

۷. توقف پولی و خصوصی سازی آموزش با تاکید بر آموزش کیفی، رایگان و عادلانه برای تمام دانش آموزان به خصوص در مناطق محروم و نا برخوردار

۸. توقف پرونده سازی علیه فعالان صنفی، آزادی معلمان زندانی و بازگشت به کار معلمان اخراجی در کنار خواسته حق تشکلات از مطالبات اصلی تشکلات صنفی است.

۹. وجه ویژه و ایجاد بستر های لازم برای اجرای اصول ۲۶، ۲۷ و ۳۰ قانون اساسی

۱۰. رهیز از سیاست زدگی در آموزش و پرورش و امنیتی کردن آن

۱۱. در پایان شورای هماهنگی اعلام می دارد، فرب و وعده های بی پشتوانه و تکراری مسئولان را نخورده و تا اعمال خواسته های مطرح شده به پشتوانه قشر فرهیخته فرهنگیان محترم تا عملی شدن خواسته های مطرح شده، این اعتراضات را ادامه خواهد داد و در فراخوان های بعدی به استحضار جامعه معلمان کشور و مردم عزیز ایران خواهد رساند.

۱۲. شورای هماهنگی تشکلات صنفی فرهنگیان ایران

دوم مهر ماه سال یک هزار و چهارصد خورشیدی •



در جبهه نبرد طبقاتی اخبار و گزارشات و اعتراضات کارگری شهریور ماه ۱۴۰۰

قدرت گرفتن و ایجاد شورا و هدایت تولید و در واقع حکومت کردن به واسطه اعتصاب در یک شرکت و یا حتی اعتصاب چند هزار نفر در یک صنف در شهرهای مختلف، می‌تواند ضربات جبران ناپذیری به مبارزات کارگران وارد سازد. این نظرات در بهترین حالت نشان از شتاب زدگی و عدم آگاهی بر مسائل و مکانیزم تکامل اجتماع دارد و در بدترین حالت نشان از تمایل به ممانعت از پیروزی کارگران دارد ولی در هر دو حالت پیروزی کارگران را به تاخیر می‌اندازد. در این میان ضدیت با حزبیت و جایگزین کردن سازمان صنفی با حزب نشان از وجود اندیشه ضد کارگری طبقات استعمارگر در میان بعضی از فعالان کارگری دارد که مدافعان طبقه کارگر باید با آن به مقابله برخیزند.

در شهریور ماه اعتصابات و تجمعات کارگران و زحمتکشان علیه طبقات فرادست ادامه یافت و با قوت به پیش رفت که در ذیل به بخشی از رخدادهای مباراتی نگاهی می‌اندازیم.

اخبار سرکوب و مقاومت

۲ شهریور

پنج تشکل مدنی و کارگری طی بیانیه‌ای در حمایت از وکیل کارگران هفت تپه، محاکمه وی را محکوم کردند. آنها در این بیانیه نوشتند: «وکالت و دفاع از حقوق کارگران جرم نیست».

۵ شهریور

پنجم شهریور ماه، انجمن پن سیدنی به دنبال انتشار ویدئوهای درز کرده از زندان اوین، با انتشار بیانیه‌ای نگرانی خود را نسبت به سلامت و امنیت سه عضو زندانی کانون نویسندگان ایران، رضا خندان (مهابادی)، بکناش آبتین و کیوان باژن، و نیز کلیه زندانیان سیاسی در ایران ابراز کرد.

۱۰ شهریور

امیر عباس آزمون، توسط ماموران وزارت اطلاعات بازداشت

اعتصابات و تجمعات و صدور اعلامیه‌ها و بیانیه‌های کارگران و زحمتکشان در کنار موضع گیری‌های سازمان‌های صنفی مستقل راجع به مسائل مختلف در ماه‌های گذشته نشان از رشد و پیشروی کارگران و زحمتکشان داشت. در این میان بحث تشکل یابی و وظائف تشکلات مستقل کارگران و زحمتکشان جای ویژه‌ای داشته است.

حزب کار ایران (توفان) همواره برمسأله تشکل یابی کارگران تأکید داشته و در مورد وظائف تشکلات گوناگون طبقه کارگر مقالات بسیاری را در اختیار مبارزان راه آزادی طبقه کارگر قرار داده است. حزب ما همواره کارگران و زحمتکشان را به تشکل یابی در سازمان‌های صنفی و سیاسی دعوت کرده و وظایف آن‌ها را با زبانی ساده و در عین حال تئوریک توضیح داده است. در اینجا باید مطرح کنیم که متأسفانه اشخاص و سازمان‌های صنفی و سیاسی وجود دارند که نظرات انحرافی خود را به درون کارگران می‌برند و با راست روی و یا چپ روی موانع بزرگی را در مقابل راه پرفراز و نشیب طبقه کارگر قرار می‌دهند و ضربات نابود کننده‌ای به مبارزات کارگران و زحمتکشان می‌زنند. طرح بوجود آوردن شورا بدون در نظر گرفتن شرایط و نیروی طبقه کارگرو توازن قوای طبقاتی در مبارزه کنونی و یا نام تشکل دادن به تجمع بخشی از کارگران یک صنف «در یک شهر تحت عنوان مجمع عمومی»، و جایگزین کردن آن با تشکل صنفی و سیاسی و یا انتظار

۲۱ شهریور

یعقوب یزدانی دبیر آموزش و پرورش بجنورد و عضو ارشد انجمن صنفی فرهنگیان خراسان شمالی بازداشت و راهی زندان شد. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران رفتارهای خشونت آمیز و چکشی با معلمان ایران را محکوم نمود و خواهان آزادی فرهنگیان دلسوز شد.

۲۳ شهریور

فرزانه زیلابی، وکیل مدافع پرونده کارگران شرکت هفت تپه با حکم دادگاه انقلاب اهواز به یک سال حبس تعزیری و دو سال، ممنوعیت خروج از کشور محکوم شد. به گفته ناصر زرافشان، وکیل خانم زیلابی، او «تاوان دفاع از کارگران هفت تپه را می‌پردازد». آقای زرافشان گفت که درخواست تجدیدنظر خواهند کرد.

جمعی از کارگران هفت تپه از بخشهای مختلف این شرکت با انتشار اطلاعیه ای رأی صادره علیه وکیل کارگران، خانم فرزانه زیلابی را محکوم ساختند و خواهان آزادی او گشتند. در این اطلاعیه آمده است: «... دستگاه فاسد قضایی بعد از دو سال هنوز رأی صادر شده علیه بزرگترین اختلاس کننده ارزی در تاریخ مملکت را اعلام نمی‌کند زیرا دادستان فاسد کل کشور با آنها همدست است. اما در عوض برای وکیلی که از کارگران دفاع کرده است حکم زندان صادر کرده است. ما به دستگاه قضایی اعلام می‌کنیم که حکم صادر شده باید فوراً و بدون قید و شرط لغو شود.»

آقای مهدی فتحی فعال صنفی معلمان و کنشگر مدنی در زادگاهش پاسارگاد توسط نیروی انتظامی دستگیر و بازداشت شد، این معلم تاریخ با ۲۷ سال سابقه خدمت به علت ناراحتی قلبی دارو مصرف می‌کند و باید به زودی مورد عمل جراحی قلب (بالون) قرار گیرد.

۲۴ شهریور

هشت تشکل مستقل کارگری و بازنشستگان محکومیت حکم صادره علیه خانم فرزانه زیلابی را محکوم ساختند. در اطلاعیه ای که بدین منظور انتشار داده‌اند آمده است: «وکیل کارگران نیشکر هفت تپه فرزانه زیلابی، به اتهام تبلیغ علیه نظام به یک سال حبس و دو سال ممنوعیت خروج از کشور محکوم شده است. کسانی که این حکم را صادر کرده اند بی تردید نه از زندگی و مشکلات کارگران خبر دارند و نه می‌دانند صدور چنین احکامی باعث سربلندی و محبوبیت افرادی چون این وکیل شجاع کارگران خواهد شد!»

۲۷ شهریور

حکم شش سال زندان اسماعیل گرامی کارگر بازنشسته ۶۷ ساله عیناً تایید شد. سندیکای کارگران شرکت واحد و سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه ضمن محکوم ساختن حکم ظالمانه و ناعادلانه اسماعیل گرامی اعلام داشتند: «که

شد. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه بازداشت امیرعباس آزمون وند را قویاً محکوم ساخت و تلاش برای آزادی ایشان را در دستور کار خود قرار داد. در بیانیه ای که بدین مناسبت انتشار داده است، فشار، بازداشت و زندانی کردن کارگران، معلمان، فعالین کارگری و حامیان طبقه کارگر را قویاً محکوم ساخته است و خواهان مختومه شدن پرونده قضایی علیه ایشان و آزادی بی‌قید و شرطشان شد.

۱۳ شهریور

پس از پیگیری‌های خانواده امیرعباس آزمون وند، به آنها اعلام شده است که شعبه دوم بازپرسی دادسرای اوین مسئول پرونده‌ی اوست و قرار وثیقه‌ی ۵۰۰ میلیون تومانی برای آزادی موقت امیرعباس صادر شده است.

۱۷ شهریور

غلامرضا غلامی‌کندازی از فعالین صنفی فارس که بعد از ۳۰ سال خدمت صادقانه در شرف بازنشستگی می‌باشد، توسط نیروهای امنیتی دستگیر و بازداشت شد، خانواده و همکاران ایشان و فعالین صنفی فارس خواهان آزادی بدون قید و شرط ایشان شدند.

جعفر ابراهیمی بازرس شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران جهت آخرین دفاع به دادسرای ناحیه ۲ کرج احضار شد.

۱۹ شهریور دو تن از کارگران نیشکر هفت تپه به اسامی مسلم چشمه خاور و محمد امیدوار ابلاغیه الکترونیکی از طرف دادگاه!! دریافت کردند. سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه با انتشار بیانیه‌ای هرگونه پرونده سازی، بازداشت و تهدید مدافعین کارگران را محکوم ساخت. در این بیانیه آمده است: «ادامه و تشدید فضای سرکوب فعالین اجتماعی از جمله مدافعین کارگری طی دو ماه گذشته بیشتر شده است. ... این شرایط بغایت غیر معقول در شرایطی اعمال می‌شود که فقر و نداری، تورم و بیکاری، استثمار کارگران و مزد بگیران، عدم پرداخت حقوق های ناچیز ماهانه و همچنین عدم امنیت شغلی را شاهد هستیم. در همین حال هر نوع تشکل یابی مستقل توسط نهاد های امنیتی و پلیسی سرکوب می‌شود. ... سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه ضمن محکوم کردن بازداشت و تهدید فعالین کارگری و دیگر فعالین اجتماعی، خواستار آزادی بی قید و شرط تمامی بازداشت شدگان می‌باشد.»

۲۰ شهریور

چند تن از اعضای هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران با بکتاش آبتین، شاعر، فیلمساز و عضو زندانی کانون دیدار کردند. بکتاش آبتین، عضو سابق هیئت دبیران پس از نزدیک به یک سال حبس، چهارشنبه ۱۷ شهریور ماه به مرخصی کوتاه مدت آمد. آبتین به همراه دو عضو دیگر کانون نویسندگان ایران، رضا خندان (مهابادی) و کیوان باژن از مهرماه ۱۳۹۹ دوره‌ی محکومیت خود را در زندان اوین سپری می‌کنند.

اعتصاب خود و تاکید بر خواسته‌ها و مطالبات‌شان در محوطه اشکفت سلمان واقع در جنوب ایزه، دست به تجمع اعتراضی زدند.

در مسجد سلیمان کارگران قصد داشتند برای تاکید بر تداوم اعتصاب تا محقق شدن مطالبات کارگران، تجمع کنند. اما ماموران با حضور گسترده مانع گردهمایی آنان شدند.

۹ شهریور

کارگران پروژه ای شاغل در شرکت (او دی سی سی) پالایشگاه اصفهان در اعتراض به خلف وعده و خودداری کارفرمایان از افزایش حقوق بار دیگر دست به اعتصاب زدند.

جمعی از صنعتگران و کارگران پروژه ای شهرستان ایزه روبروی فرمانداری این شهر تجمع اعتراضی برپا کردند.

۱۵ شهریور

پس از خلف وعده مدیریت پتروشیمی کاویان عسلویه، کارگران این مجموعه بار دیگر دست به اعتصاب زدند. دو هفته پس از پایان اعتصاب توسط این کارگران، مدیریت کاویان عسلویه علاوه بر عدم اجرای وعده‌ها، ۵ نفر از این پرسنل را به اداره اطلاعات معرفی کرد. پرسنل این مجموعه کارگری اعلام کردند که به اعتصاب خود تا زمان بازگشت همکارانشان به محل کار و تحقق مطالبات ادامه می‌دهند. در جریان اعتصاب کارگران پروژه ای نفت، یکی از حربه‌های کارفرمایان و پیمان کاران برای بازگرداندن کارگران به کار، وعده افزایش حقوق بوده است. اما پس از آن، یا اصلاً حقوق‌ها را افزایش نداده‌اند یا میزان افزایش پایین‌تر از پیشنهاد کارگران بوده است. مدیران و کارفرمایان دولتی و خصوصی تلاش می‌کنند با اخراج کارگران معترض صورت مساله را پاک کنند.

۱۶ شهریور

کارکنان پتروشیمی بندر امام که سال گذشته زیر نظر شرکت عملیات غیر صنعتی بندر ماهشهر قرار گرفتند، در اعتراض به این موضوع مقابل پتروشیمی بندر امام دست به تجمع زدند و خواهان بازگشت به پتروشیمی بندر امام شدند. این کارکنان پیش از این نیز بارها با تجمع اعتراض خود را نسبت به این موضوع اعلام کرده بودند.

۱۷ شهریور

کارگران پروژه ای نفت همزمان با هشتاد و یکمین روز از اعتصاب سراسری خود مقابل مجلس دست به تجمع اعتراضی زدند.

۲۲ شهریور

کارگران پروژه ای در مشاغل جوشکار، فیتز، سیویل، داربست‌بند، نصاب، قالب‌بند و بتون‌ریز در شرکت استیم شاغل در سایت یک پتروشیمی بوشهر در اعتراض به عدم تحقق وعده‌های پیمانکار و خلف وعده‌ها دست به اعتصاب مجدد زدند و خواهان افزایش دستمزد و تغییر نوبت کاری به ۲۰ روز

با صدور اینگونه احکام هرگز نمی‌توانید صدای دادخواهی کارگران و بازنشستگان فرودستان و دیگر اقشار محروم جامعه را خاموش کنید و قطعاً این صداها با وضعیت اسفبار معیشتی و شرایط موجود فعلی بلند و بلندتر خواهد شد.»

اتحاد سراسری بازنشستگان ایران با انتشار اعلامیه ای محکومیت آقای اسماعیل گرامی فعال بازنشسته را بار دیگر محکوم ساخت. در این اعلامیه آمده است: «... ما خواهان رفع ستم و آزادی هرچه سریع‌تر ایشان و سایر کارگران، معلمان، نویسندگان، زنان، خبرنگاران، فعالان محیط زیستی و فعالان صنفی دانشجویی هستیم. ما قاطعانه، مدافع تمامی آن فعالان اجتماعی و بازنشستگی هستیم که به دلایل واهی با احکام ظالمانه به حبس و هر حکم ضد انسانی دیگری محکوم شده اند و کیفر ظالمانه شان را می‌گذرانند و خواستار آزادی بی قید و شرط آنان هستیم.»

۳۱ شهریور

سپیده قلیان فعال مدنی طی ابلاغیه‌ای الکترونیکی به شعبه ۲ دادیاری دادرسی عمومی و انقلاب بوشهر فراخوانده شد. از خانم قلیان خواسته شده است تا ظرف مدت ۵ روز از زمان درج ابلاغیه در سامانه ثنا برای دفاع از اتهامات انتسابی «نشر اکاذیب رایانه‌ای و فعالیت تبلیغی علیه نظام» در این شعبه حاضر شود.

چهل و سه زندانی سیاسی و مذهبی محبوس در بند ۱۰ زندان مرکزی ارومیه دست به اعتراض زدند. زندانیان اعتصابی در اعتراض به مخالفت شورای طبقه‌بندی زندان با اعزام زندانیان بیمار به بیمارستان خارج از زندان از تحویل غذای دولتی خودداری کردند.

شاهین ناصری شاهد شکنجه و قتل نوید افکاری در زندان به قتل رسید. یک زندانی سیاسی بنام فرهاد سلمانپور ظهیر، که در زندان تهران بزرگ محبوس است، قتل شاهین ناصری را افشا نمود.

کارگران صنعت نفت، پتروشیمی و نیروگاه‌ها

۱ شهریور

شصت و پنجمین روز اعتصاب سراسری کارگران صنعت نفت در پالایشگاه، مرکز پتروشیمی و نیروگاه در ۳۵ شهر ادامه یافت.

چهل کارگر پیمانی شرکت جم ۲ نیز که در واحد پارس جنوبی مشغول کار هستند به اعتصاب سراسری پیوستند. هم اکنون ده‌ها هزار نفر از کارگران پیمانی صنعت نفت و گاز پالایشگاهی و نیروگاه‌ها در حال اعتصاب هستند.

۳ شهریور

در پی فراخوان قبلی کارگران صنعت نفت ایزه در حمایت از

کار و ۱۰ روز استراحت و اجرای وعده های پیمانکار شدند.

۲۳ شهریور

کارگران ارکان ثالث در شیفت صبح پالایشگاه فجر جم در اعتراض به تعرضات هر روزه به زندگی و معیشتشان دست از کار کشیده و مقابل درب پالایشگاه تجمع کردند. این تجمع از ساعت ۶:۴۵ صبح آغاز و تا ساعت ۱۰:۳۰ ادامه داشت و از آنجا که هیچ یک از مسئولین حاضر به پاسخگویی نشدند، کارگران پالایشگاه را ترک و به خانه هایشان رفتند و بر ادامه اعتراض تاکید نمودند. در نتیجه اعتصاب این کارگران واحد حمل و نقل نیز به صورت نیمه تعطیل و همچنین رستوران پالایشگاه تعطیل شد. در ششم شهریور نیز این کارگران دست به تجمع زده بودند.

۲۷ شهریور

کارگران شرکت پیمانکاری پارس قدرت شاغل در پتروپالایش کنگان مجدداً دست به اعتصاب زدند. این کارگران پیشتر و با قول مساعد پیمانکاران مبنی بر قبول شرایط کارگران به سر کار بازگشته بودند اما اینک و با خلف وعده از سوی پیمانکاران دوباره دست از کار کشیدند.

کارگران شاغل در شرکت های مستقر در بخش توسعه ی فاز ۱۴ عسلویه مجدداً به خاطر خلف وعده کارفرما، دست به اعتصاب زده و مقابل دفتر مینا تجمع کردند.

۳۰ شهریور

بالغ بر ۳۰۰ تن از کارگران معترض شرکت پتروشیمی بندر امام در اعتراض به وضعیت خود با حضور در محل این شرکت برای پانزدهمین روز، دست به راهپیمایی اعتراضی زدند. کارگران اعتصابی خواستار بازگشت تحت نظر شرکت مادر، یعنی پتروشیمی بندر امام شدند.

۳۱ شهریور

کارگران پروژه ای در شرکت تولید برق غرب کارون در اعتراض به خلف وعده کارفرما مجدداً دست به اعتصاب زدند و تجمع اعتراضی برپا کردند.

کارگران شاغل در شرکت اکسیر در فاز ۱۴ در اعتراض به خلف وعده پیمانکاران از روز ۲۷ شهریور دست به اعتصاب زده و در کمپ ها هستند.

کارگران رسمی، قراردادی و پیمانکاری بومی منطقه بهرگان دست به تجمع زدند. آنها در اعتراض به تصمیم های غیر کارشناسانه و تبعیض آمیز مدیران این شرکت تجمع کردند.

اعتصاب کارگران صنعت نفت و گاز **نود و پنجمین روز خود را پشت سر گذاشت.** این اعتصاب در پالایشگاه ها، صنایع پتروشیمی، نیروگاه ها و تأسیسات وابسته به این صنعت تحت کمپین ۱۰-۲۰ صورت گرفته است.

فرهنگیان

۶ شهریور

معلمان و فرهنگیان در اعتراض به کسر کردن از حقوق و برآورده نشدن مطالباتشان مقابل ساختمان دیوان عدالت اداری در تهران تجمع کردند. به گفته معترضان در پی واریز حقوق مردادماه معلمان، مبلغ ۲۰۰ هزار تومان از آنها کسر شده است.

۸ شهریور

آموزشیاران نهضت سواد آموزی، در برابر معاونت برنامه ریزی و توسعه وزارت آموزش و پرورش واقع در خیابان قرنی تجمع کردند.

۱۴ شهریور

معلمان در مقابل مجلس و سازمان برنامه و بودجه در اعتراض به عدم اجرای رتبه بندی و دیگر مطالباتشان دست به تجمع اعتراضی زدند. «حقوق ما سه میلیون خط فقر ده میلیون!»

جمع زیادی از قبول شدگان آزمون استخدامی سال ۹۹ آموزش و پرورش که اصطلاحاً کارنامه سبز نامیده می شوند دومین روز تجمع اعتراضی خود را در اعتراض به عدم استخدام خود مقابل ساختمان وزارت آموزش و پرورش برگزار کردند.

۱۶ شهریور

جمعی از معلمان جوان در اعتراض به درصد بندی های ناعادلانه و تبعیض آمیز فوق العاده ویژه، مقابل آموزش و پرورش تجمع کردند.

تعدادی از معلمان پیش دبستانی در مدارس دولتی، با حضور در جلوی درب ورودی مجلس با در دست داشتن پلاکاردهایی، اعتراض خود را به وضعیت استخدامی معلمان پیش دبستانی از سال ۹۱ تا ۹۹ را اعلام کردند.

۲۰ شهریور

جمعی از قبول شدگان آزمون استخدامی سال ۹۹ آموزش و پرورش که اصطلاحاً کارنامه سبز نامیده میشوند برای هشتمین روز متوالی در اعتراض به عدم استخدام خود مقابل ساختمان وزارت آموزش و پرورش تجمع برگزار کردند. جمعی از این تجمع کنندگان تحصن های شبانه نیز دارند و طول شب را نیز در همان محل مقابل وزارتخانه سپری می کنند. «سکوت فایده نداره کارنامه سبز بیداره!»

تجمع اعتراضی معلمان در شیراز همزمان با تهران و اهواز برگزار شد. معلمان خواهان اجرای رتبه بندی و رسیدگی به وضعیت نامناسب معیشتی و کاری هستند. «بدون رتبه بندی مدرسه بی مدرسه!»

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در آستانه بازگشایی مدارس، در اعتراض به وضعیت کنونی بیانیه ای منتشر ساخت و مطالبات فرهنگیان و دانش آموزان را در

از فعالیت در سامانه ی شاد، به یاری شما جنبش سراسری فرهنگیان را ادامه خواهیم داد».

۳۰ شهریور

تجمع سراسری معلمان در تهران اهواز، آبادان، الیگودرز، ایذه، مشهد، سنج، کرمانشاه، خرم آباد، بروجرد، سبزوار، تربت حیدریه، رشت و ... مقابل وزارت آموزش و پرورش در اعتراض به عدم اجرای طرح رتبه بندی برگزار شد.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در بیانیه ی خود در حمایت از اعتراضات فرهنگیان اعلام داشت: «... جمعی از معلمان برای روز پنجشنبه، اول مهر در برخی شهرها اعلام تجمع صنفی کرده‌اند که مورد حمایت شورای هماهنگی است. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در فراخوان تجمع خود به تاریخ ۲۹ شهریور ضمن حمایت از تجمعات معلمان، از تمام فرهنگیان بازنشسته و شاغل دعوت کرده است در تجمع سراسری در تاریخ سوم مهر ساعت ۱۰ صبح شرکت نمایند».

۳۱ شهریور

کارنامه سبزه با خواست بر حق اشتغال، نوزدهمین روز اعتراض و تحصن شبانه مقابل وزارت آموزش و پرورش را پشت سر گذاشتند.

شهرداری

۱ شهریور

کارگران فضای سبز منطقه ویژه پارس جنوبی در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات خود (اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، پرداخت پاداش نیمه دوم سال ۹۹ و اجرای طرح بیمه تکمیلی) تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۳ شهریور

کارگران اجرائیات شهرداری اهواز، در اعتراض به پرداخت نشدن ۶ ماه حقوق و اخراج برخی از کارگران، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۸ شهریور

کارکنان و کارگران شهرداری امیدیه برای سومین روز متوالی نسبت به پرداخت نشدن ۴ ماه حقوق عقب‌افتاده در مقابل فرمانداری این شهر دست به تجمع زدند و به بی‌توجهی مسئولین شهرداری به خواسته‌هایشان اعتراض کردند.

کارکنان و آبداران اداره آب و فاضلاب شهرستان ایذه در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق‌های عقب‌افتاده دست به اعتصاب زدند. برخی از آبداران بیش از ۸ ماه حقوق و مزایا دریافت نکرده‌اند و شماری از کارکنان نیز چندین ماه حقوق عقب‌افتاده را دریافت نکرده‌اند.

۱۳ شهریور

کارگران خدمات شهری شهرداری یاسوج در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق و پاداش و عیدی سال‌های ۹۸ و

آن طرح کرد. در این بیانیه آمده است: «... با ورود کرونا، آموزش دچار مشکلات عدیده شد. به خاطر نبود امکانات و زیرساخت‌های ضروری برای معلمان و دانشجویان و کیفیت پایین اپلیکیشن شاد، حدود ۳۰ درصد از دانش‌آموزان ترک تحصیل کرده‌اند. ... ما به دولت و مجلس تا پایان شهریور فرصت می‌دهیم تا خواسته‌های فوق را محقق نماید در غیر این صورت شورای هماهنگی طی فراخوان برنامه‌های اعتراضی خود را اعلام خواهد نمود و تا تحقق مطالبات به اعتراضات ادامه خواهد داد».

۲۱ شهریور

معلمان استان فارس در مقابل اداره کل آموزش و پرورش شیراز دست به تجمع اعتراضی زدند.

۲۲ شهریور

دانشجویان پزشکی دانشگاه آزاد مشهد در اعتراض به افزایش بی ضابطه و غیرقانونی شهریه دست به تجمع اعتراضی زدند.

۲۳ شهریور

تجمع معلمان در اعتراض به عدم اجرای طرح رتبه بندی، در شهر تهران مقابل مجلس و در استان‌های خوزستان و لرستان، در مقابل اداره کل آموزش و پرورش این استان‌ها برگزار شد.

۲۷ شهریور

دانشجویان پیشرو دانشگاه اصفهان با انتشار اطلاعیه‌ای حمایت خود را از اعتراض بر حق معلمان اعلام داشتند. در این اطلاعیه آمده است: «... ما دانشجویان نیز از مطالبات و خواسته‌های به حق تمام معلمان اعلام حمایت می‌کنیم. ما حامی و همسنگر معلمان و دانش‌آموزان برابر سیستمی هستیم که ۴۳ سال است وضعیت زندگی و معیشت‌مان را آنچنان به نابودی کشانده که نه معلم، نه دانش‌آموز، نه دانشجو و نه استاد دانشگاه هیچ رضایتی از اوضاع ندارند».

تجمع سراسری معلمان در استان‌های خوزستان، آذربایجان شرقی، ایلام، فارس، هرمزگان، چهارمحال و بختیاری، قم، اردبیل، کرمانشاه، اصفهان، لرستان، البرز، کهگیلویه و بویراحمد، در اعتراض به عدم اجرای طرح رتبه بندی برگزار شد. این تجمعات اعتراضی با خواست رتبه بندی ۸۰ درصدی هیات علمی، فوق‌العاده ویژه و سایر مطالبات معلمان شاغل و بازنشسته برگزار می‌شود.

۲۸ شهریور

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران با انتشار اطلاعیه‌ای از مطالبات فرهنگیان اعلام حمایت نمود. در این اطلاعیه آمده است: «... تا رسیدن به خواسته‌های به حق فرهنگیان و دانش‌آموزان از جمله: اجرای نظام رتبه بندی/ اجرای نظام همسان سازی حقوق بازنشستگان/ تهیه ی گوشی، سیم‌کارت و اینترنت رایگان برای همه ی معلمان و دانش‌آموزان کشور، با حضور در مدرسه و خودداری از رفتن به کلاس درس و تدریس در فضای مجازی و خودداری

۹۹، مقابل استانداری کهگیلویه و بویراحمد دست به تجمع اعتراضی زدند.

پنجمین تجمع کارگران اجرائیات شهرداری اهواز با سوابق ۴ الی ۶ سال خدمت در اعتراض به صدور نامه اخراج از سوی شهرداری مرکز و ابلاغ آن به پیمانکاران مربوطه مناطق، مقابل ساختمان شورای شهر برگزار شد.

۱۴ شهریور

جمعی از کارگران شهرداری خرمشهر در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه حقوق معوقه و ۱۰ ماه حق بیمه، پنجمین روز تجمع اعتراضی خود را مقابل فرمانداری ویژه شهرستان برگزار کردند.

۱۵ شهریور

اعتراضات کارگران خدمات شهری میاندوآب در استان آذربایجان غربی در اعتراض به پرداخت نشدن ۶ ماه حقوق و دیگر مزایا، مقابل ساختمان شهرداری وارد هشتمین روز خود شد. کارگران بنرهایی در دست داشتند که روی آنها نوشته شده بود: «ما کارگران خدمات شهرداری نان نداریم». «۶ ماه حقوق عقب مانده کارگران خدمات شهری».

۲۰ شهریور

کارگران پیمانی فضای سبز شهرداری شاهر در مناطق ۱، ۲ و ۳ آبادان و منطقه آزاد اروند همزمان مقابل ساختمان شهرداری مرکزی و دفتر شورای شهر آبادان تجمع اعتراضی برگزار کردند. کارگران فضای سبز شهرداری آبادان؛ پس از هر بار پیگیری، فقط حقوق های عقب افتاده یک ماه خود را دریافت می کنند.

کارگران پیمانی شهرداری ایلام که از مراجعات مکرر و بدون نتیجه خود به نهادهای دست اندرکار شهرداری نتیجه ای نگرفته اند، برای دریافت حقوق های عقب افتاده خود جلوی ساختمان شهرداری این شهر تجمع کردند. کارگران شهرداری ایلام نزدیک به ۵ ماه است که حقوق دریافت نکرده اند.

کارگران شهرداری هویزه در اعتراض به پرداخت نشدن ۳ ماه از حقوق شان تجمع اعتراضی برگزار کردند. این کارگران با تجمع در محوطه شهرداری هویزه، خواهان رسیدگی مسئولان مربوطه به مطالبات عقب افتاده خود شدند.

کارمندان اداره آب و فاضلاب سوسنگرد در اعتراض به حقوق های پایین ۲ میلیون تومان تجمع کردند. در این تجمع کارمندان خواهان پاسخگویی مسئولان استانی و شهرستانی و پرداخت حقوق های عقب افتاده و بیمه شدند.

۲۹ شهریور

کارگران اخراجی واحد اجرائیات شهرداری اهواز برای هفتمین بار مقابل درب ورودی شورای قلابی شهر دست به تجمع

اعتراضی زدند. کارگران با پهن کردن بساط دستفروشی پياز و سبب زمینی نسبت به عواقب بیکاری این صنف هشدار دادند.

۳۰ شهریور

کارگران شهرداری کوت عبدالله در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و بیمه عقب افتاده، دست به تجمع زدند.

بازنشستگان

۱۴ شهریور

جمعی از بازنشستگان کشوری و تامین اجتماعی در تداوم پیگیری مطالبات خود و مطالبات عمومی، در مقابل سازمان برنامه و بودجه برای دست یابی به آنها دست به تجمع اعتراضی زدند. از اهم خواسته های بازنشستگان «برخوردار شدن از حقوقی متناسب با تورم، پرداخت حقوق به موقع در هر ماه، بهداشت و درمان رایگان، همسانسازی حقوق ها، تسریع واکسیناسیون، پایان دادن به پرونده سازی و بازداشت مطالبه گران و عدالت خواهان و آزادی آن ها، آزادی اسماعیل گرامی و ...» می باشد.

۲۰ شهریور

بازنشستگان کشوری در مشهد در اعتراض به اجرایی نشدن همسان سازی حقوق با کارمندان شاغل تجمع کردند. بازنشستگان شرکت کننده در این تجمع که بیشتر آنها را زنان تشکیل می دادند، در راستای مطالباتشان شعارهایی سردادند. از جمله: «یه اختلاس کم بشه مشکل ما حل می شه»، «نیاز ما این زمان، معیشت و سلامت»، «نه تسلیم نه تطمیع، معیشت، سلامت».

۲۱ شهریور

بازنشستگان فولاد در اصفهان و خوزستان دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار تحقق مطالبات معیشتی و حقوقی خود شدند.

۲۳ شهریور

معلمان بازنشسته سال ۹۹ در مقابل مجلس در اعتراض به عدم پرداخت پاداش دست به تجمع اعتراضی زدند.

۲۸ شهریور

جمعی از بازنشستگان و مستمری بگیران صندوق بازنشستگی فولاد خوزستان مقابل ساختمان این صندوق در اهواز تجمع کردند و خواستار تحقق مطالبات معیشتی و حقوقی خود شدند.

کارگران دیگر

۱ شهریور

کارکنان تامین اجتماعی مازندران در اعتراض به عدم همسان سازی حقوق، روبروی تامین اجتماعی در ساری تجمع اعتراضی برگزار نمودند.

رانندگان کامیون در مرز پرویزخان خسروی با پارک کامیون های خود در اعتراض به انتظار طولانی و ندادن مجوز خروج و همچنین وضعیت نامناسب شرایط استقرار در مرز، دست به اعتصاب زدند.

کارکنان گروه مونتاز ماشین سازی اراک در اعتراض به اعلام روز تعطیل به عنوان روز کاری توسط هیات مدیره شرکت دست به اعتصاب زدند. کارکنان این تصمیم هیات مدیره را توهین به پرسنل دانستند و به کارخانه نیامدند.

۸ شهریور

پرسنل طرح تحول سلامت خوزستان به دلیل برآورده نشدن خواسته‌هایشان در برابر استانداری دست به تجمع زدند. آنان در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق‌شان از بابت اضافه کاری و چند شیفت کار کردن اقدام به پهن کردن سفره خالی نمودند.

کارگران اخراجی حراست هفت تپه در حالی که شصت و سومین روز اعتصاب را پشت سر گذاشتند، بدون حقوق بر سر مزارع حاضر می‌شوند. آنها بدون دستمزد هم اکنون از مزارع نیشکر حفاظت می‌کنند. این کارگران محروم سالیان درازی است در شرکت نیشکر مشغول کار می‌باشند، آنان به دلیل سیاست‌های ضد کارگری مسئولین هفته تپه و به بهانه اتمام قرارداد از کار اخراج شده‌اند. اما همچنان خود را حافظ مزارع نیشکر می‌دانند و به حفاظت از مزارع نیشکر مشغول هستند. این کارگران مانع می‌شوند احشام وارد مزارع شده و آن را نابود کنند.

۱۰ شهریور

پرسنل شرکت سیاحتی غار علی صدر همدان در اعتراض به اخراجشان از کار پس از تعطیلی شرکت توسط شرکت سیاحتی دست به تجمع زدند.

کارگران و کارکنان مترو در مهر شهر کرج، در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق‌های عقب افتاده دست به تجمع زدند.

کارکنان شرکتی دانشگاه علوم پزشکی کردستان در سنندج، در اعتراض به برآورده نشدن مطالباتشان، در برابر ساختمان استانداری تجمع کردند.

۱۳ شهریور

کارگران تهران جنوب در بندر مجیدیه. نسبت به عدم امکانات رفاهی، دست به تجمع اعتراضی زدند.

پرسنل جهاد نصر کرمانشاه برای چندمین روز متوالی در اعتراض به عدم پرداخت ۱۳ ماه حقوق، سنوات و عیدی خود مقابل استانداری دست به تجمع اعتراضی زدند.

۱۵ شهریور

کارگران مخابرات روستایی در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق و مزایای خود و نادیده گرفته شدن مطالباتشان مقابل اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی در اهواز تجمع اعتراضی برگزار کردند.

سندیکای کارگران شرکت واحد با انتشار اطلاعیه ای خواهان

پرستاران شاغل در بیمارستان‌های سازمان تامین اجتماعی در شهرهای تهران، بابل و ساری در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق‌های عقب افتاده و کم کردن حقوق از سوی این سازمان، عدم برقراری فوق العاده ویژه و اجرا نشدن همسان سازی حقوق، در برابر سازمان تامین اجتماعی دست به تجمع زدند. و همچنین پرستاران تهران در برابر مرکز آموزشی درمانی روحانی تجمع کرده و شعار می‌دادند: «رئیس بی کفایت نمی‌خواهیم، نمی‌خواهیم».

۳ شهریور

رانندگان اتوبوس شرکت واحد شهرستان ساوه، در اعتراض به پرداخت نشدن ۴ ماه حقوق‌های عقب افتاده در برابر ساختمان فرمانداری این شهر تجمع کردند.

کارگران معترض شرکت کشت و صنعت بیدمشک واحد گلخانه، به صورت دسته جمعی از کار اخراج شدند. این کارگران اواسط مردادماه به تجدید نشدن قرارداد و عدم پوشش بیمه اقدام به اعتراض کردند. این کارگران پس از اعتصاب، از ادامه کار محروم شدند. کارگران کشت و صنعت بیدمشک به همراه خانواده‌هایشان در خانه‌های ۳۰ تا ۳۵ متری متعلق به این شرکت که برخی حتی محل استحمام نیز ندارند، زندگی می‌کنند.

سندیکاها و اتحادیه های مستقل کارگری و بازنشستگان و روزنامه نگاران، بیانیه‌ای تحت عنوان «عدم اجرای واکسیناسیون فوری، رایگان، عمومی و استاندارد جنایت است»، منتشر کردند. در این بیانیه آمده است: «اکنون ایران به یمن وجود حاکمیتی غیرمسئول و ناکارآمد به قتلگاهی تبدیل شده است. طبق آمار رسمی، روزانه بیش از ۷۰۰ نفر بر اثر ابتلا به ویروس کرونا جان خود را از دست می‌دهند. کشتاری با چنین وسعت تنها بخش کوچکی از مصیبت‌های وارد شده بر خانواده‌ها و شهروندانی است که به سوگ عزیزان خود می‌نشینند. ... ما اعلام می‌کنیم خواستار قرنطینه همراه با تامین حداقل‌های زندگی در مدت لازم برای اجرای آن، برای کارگران و زحمت کشان و فرودستان هستیم. بدون قرنطینه همراه با تامین معیشت برای اقشار مزد و حقوق‌بگیر و بیکاران و فرودستان از دامنه این بیماری کاسته نخواهد شد. بی‌شک امر واکسیناسیون و قرنطینه، بدون تامین دارو و تجهیزات بیمارستانی برای بیماران و توزیع ماسک و مواد ضد عفونی برای عموم مردم کرونا پایدار خواهد ماند. ما خواهان تامین این ضروریات اساسی برای کنترل و نابودی و ریشه کن کردن بیماری کووید ۱۹ هستیم. ما بازداشت و کلایی را که بخاطر اعتراض به مسئولیت‌ناپذیری حکومت تحت پیگرد قرار گرفته‌اند شدیداً محکوم می‌کنیم و خواستار آزادی بی‌قید و شرط و فوری آنان هستیم».

۶ شهریور

۲۱ شهریور

طی فراخوان شورای هماهنگی اتحادیه هماهنگ کنندگان رانندگان سراسر کشور مبنی بر اعتصاب، رانندگان استان خراسان رضوی در فولاد سبزوار (جوین) بخاطر بی توجهی و پایین بودن کرایه ها دست به اعتصاب زدند.

۲۲ شهریور

کارگران سد شفارود رضوانشهر در پی بدقولی در پرداخت حقوق معوقه ۳ ماهه، مجددا در برابر این شرکت تجمع کردند.

۲۷ شهریور

شماری از کارگران مجموعه ورزشی آزادی، در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی شان، در مقابل ساختمان وزارت ورزش و جوانان واقع در تهران، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

سندیکای کارگران شرکت واحد با انتشار اطلاعیه ای نسبت به عدم تامین امکانات رفاهی مناسب برای رانندگان (سیستم سرمایش) و سخت گیری ها به رانندگان به مدیریت ناکارآمد شرکت واحد هشدار داد و اعلام داشت: «در صورت ادامه این روند با اعتراضات مقتضی رانندگان مواجه خواهد بود».

جمعی از کارگران غیرنیشکری شرکت هفت تپه مقابل درب مدیریت این شرکت دست به تجمع زدند. کارگران غیرنیشکری با چندین سال سابقه از کار اخراج شده اند و خواهان بازگشت به کار و تبدیل وضعیت هستند.

۳۰ شهریور

جمعی از کارگران پله برقی خط یک، دو، چهار و پنج مترو تهران در مقابل ساختمان شورای شهر تجمع کردند. این کارگران نسبت به تعویق سه ماهه در پرداخت حقوق خود از سوی شرکت پیمانکار اعتراض دارند.

بازنگری و اجرای هر چه سریعتر طرح طبقه بندی مشاغل در شرکت واحد شد. در این اطلاعیه آمده است: «باید هرچه زودتر طرح بازنگری طبقه بندی مشاغل را بطور کامل اجرا کنید. اجرای این طرح در این وضعیت بحرانی نه تنها در حقوق بازنشستگی کارگران و رانندگان شاغل تاثیر گذار است، بلکه در شرایط سخت معیشتی و گرانی افسار گسیخته می تواند گوشه ای از مشکلات معیشتی، درمانی و آموزشی رانندگان و کارگران زحمت کش و بازنشستگان را تامین کند. سندیکا تاکید می کند در صورت عدم فوری اجرای کامل طرح طبقه بندی مشاغل، کارگران و رانندگان شرکت واحد حق اعتراض را به اشکال مختلف برای خود شان محفوظ می دانند».

جمعی از کارگران شرکت هفت تپه در اعتراض به عدم تعیین تکلیف مالکیت و مدیریت شرکت و عزل و نصب هایی که توسط مدیران اسدی بیگی صورت می گیرد دست به اعتراض زده و در محوطه ی شرکت تجمع و راهپیمایی کردند. کارگران معترض همچنین مدیران شرکت را از دیار تمان مدیریت بیرون کرده و درب دیار تمان مدیریت را بستند. کارگران هفت تپه ۲ ماه حقوق معوقه دارند و خواهان تحقق تمامی مطالبات خود هستند.

۱۶ شهریور

کارکنان شرکتی مخابرات شهر قم در اعتراض به برآورده نشدن خواسته های شان دست به تجمع زدند. و خواستار اجرای قوانین تبدیل وضعیت شدند.

۱۷ شهریور

پرسنل شرکتی مخابرات برای دومین روز دست به تجمع اعتراضی زدند. آنها با خواست تبدیل وضعیت استخدامی در برابر ستاد فرمان اجرایی خمینی تجمع کردند. شرکت کنندگان در این تجمع از سراسر کشور به تهران آمدند.

۲۰ شهریور

کارگران چادرملو به خواسته های شان رسیدند. این پیروزی بر کارگران مبارک باد!

رای هیئت تشخیص به نفع کارگران حمل و نقل سبک و سنگین مجتمع چادرملو که با طرح دعوی علیه کارفرمای اصلی چادرملو، خواستار حذف شرکت پیمانکاری و عقد قرارداد مستقیم با کارفرمای مادر شده بودند، به نفع کارگران ابلاغ شد و نوع قرارداد این کارگران را دائمی اعلام کرد و کارفرما موظف شد کلیه مطالبات این کارگران از جمله حقوق، اضافه کاری، جمعه کاری، تعطیل کاری و... را بپردازد.

رانندگان استان خراسان رضوی در فولاد سبزوار (جوین) به خاطر بی توجهی مقامات استان به مطالبات شان و پایین بودن کرایه ها دست به تجمع و اعتصاب زدند.

با فساد همه گیر در دستگاه حاکمیت باید با شمشیر تیز انقلاب مبارزه کرد

سرتگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی به دست مردم



کهنکی، فعال کارگری هفت‌تپه در گفتگو با امتداد درباره رابطه با صدور حکم سرکوبگرانه علیه وکیل خود، خانم فرزانه زیلابی

آقایان علنا به کارگران می‌گفتند که به فرزانه زیلابی وکالت ندهید! کارگران به شدت از صدور حکم علیه وکیل خود خشمگین هستند/ در دفاع از وکیل کارگران، تجمع اعتراضی یا امضای طومار خواهیم داشت/ ما تا آخر در کنار وکیل خود ایستاده‌ایم

این همه سال برای کارگران پرونده‌سازی کردند و از آن جا که فشار افکار عمومی بر آقایان وجود داشت، نتوانستند، رایی علیه آن‌ها صادر کنند. اما فکر می‌کنند که خانم زیلابی تنهاست که به سادگی علیه او حکم صادر شود. ما تا آخر در کنار وکیل خود ایستاده‌ایم.

امتداد- گروه خبر: هفته گذشته که فرزانه زیلابی، وکیل کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه به یک سال حبس تعزیری و دو سال ممنوعیت خروج از کشور محکوم شد. حسن کهنکی، فعال کارگری و از کارگران با سابقه شرکت هفت‌تپه در گفتگویی با امتداد، ضمن اشاره به این حکم، اظهار داشت: متأسفانه این حکم صادر شده و ما صدور آن را به نوعی، انتقام از کارگران می‌دانیم. به شخصه در روند صدور این حکم، ردپای نهادهای امنیتی را می‌بینم.

آقایان علنا به کارگران می‌گفتند که به فرزانه زیلابی وکالت ندهید!

وی افزود: آقای جعفری چگینی، شخصی که اکنون، مسئولیت حفاظت قوه قضائیه در استان خوزستان را بر عهده دارد، طی سال‌های اخیر و در زمانی که رئیس دادگستری شهرستان شوش بود، علنا به برخی از کارگران و کارگران بازداشتی گفته بود که زیلابی را به عنوان وکیل پرونده خود انتخاب نکنید.

این فعال کارگری، تصریح کرد: تصور می‌کنم که این حکم به

نوعی، یک تسویه حساب با این وکیل با شرافت دادگستری به دلیل دفاع تمام‌قد از حقوق کارگران بوده است.

کارگران به شدت از صدور این حکم خشمگین هستند کهنکی، تاکید داشت: کارگران به شدت از صدور این حکم خشمگین هستند و ممکن است که به همین دلیل در روزهای آینده تجمع اعتراضی داشته باشیم. خانم زیلابی در طول ۸ سال گذشته بدون اینکه هزینه‌ای از کارگران دریافت کند، زحمات حمایت حقوقی از پرونده آن‌ها را متقبل شده و همیشه شاهد بودیم که حتی با هزینه شخصی خود برای انجام این امور رفت و آمد می‌کرد.

این کارگر هفت‌تپه، عنوان داشت: وقتی مطرح می‌شود که وکالت، شغل نیست، حقیقتاً تجلی این جمله را در رفتار و کردار و شرافت این خانم مشاهده می‌کنید. این وکیل با شرافت در طول ۸ سال گذشته به کارگران، بدون چشم داشت خدمت کرده و اگر نوبتی هم باشد، الان نوبت کارگران است که از ایشان حمایت و دفاع کنند.

یک مفسد اقتصادی بالغ بر دو میلیارد دلار ارز این مملکت را به تاراج برده و الان آزادانه می‌چرخد

وی، یادآور شد: ما در روزهای آینده از طریق برنامه‌هایی نظیر برگزاری تجمع و امضای طومار از وکیل کارگران حمایت خواهیم کرد. صدور چنین حکمی واقعاً جای تعجب و تأسف دارد. یک مفسد اقتصادی بالغ بر دو میلیارد دلار ارز این مملکت را به تاراج برده و الان آزادانه می‌چرخد و پرونده‌اش هم همچنان بدون صدور حکم نهایی باقی مانده است. حال در مقابل برای یک وکیل که تنها از کارگران زحمتکش کشور حمایت و دفاع کرده پرونده تشکیل داده و حکم او را صادر می‌کنند.

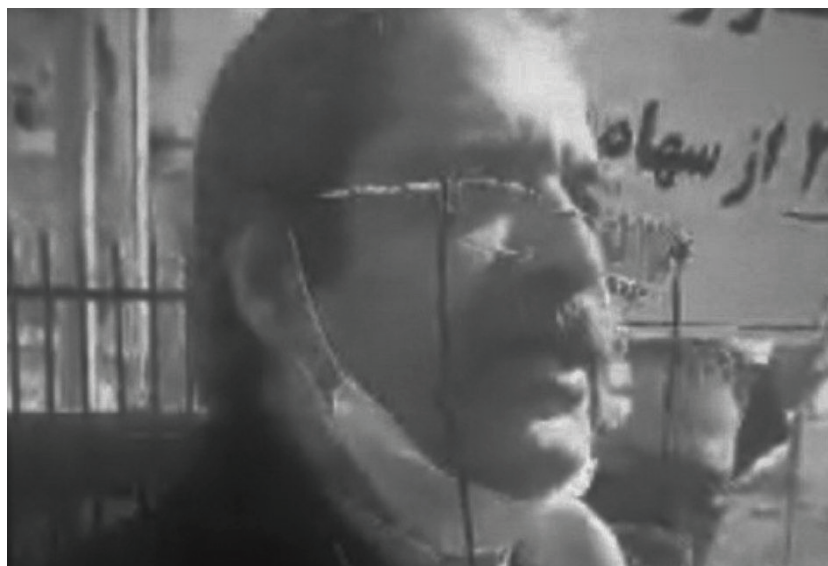
انتظار ما این است که سریعاً پرونده‌سازی‌ها متوقف شود کهنکی، تصریح کرد: این چه عدالتی است؟ همانطور که گفته شد در روزهای آینده، حتماً با نظر کارگران برای حمایت از خانم زیلابی اقدام خواهیم کرد.

این فعال کارگری، بیان داشت: قاضی پرونده اسدیگی، سه ماه قبل گفت که ظرف مدت ۱۵ روز آینده حکم او را صادر خواهیم کرد، هنوز این ۱۵ روز فرا نرسیده است. اما برای وکیلی که از مظلومین دفاع می‌کند، سریعاً پرونده تشکیل شده و حکم صادر می‌شود. انتظار ما این است که سریعاً پرونده‌سازی‌ها متوقف شود.

ما تا آخر در کنار وکیل خود ایستاده‌ایم
وی در پایان گفت: این همه سال برای کارگران پرونده‌سازی کردند و از آن جا که فشار افکار عمومی بر آقایان وجود داشت، نتوانستند، رایی علیه آن‌ها صادر کنند. اما فکر می‌کنند که خانم زیلابی تنهاست که به سادگی علیه او حکم صادر شود. ما تا آخر در کنار وکیل خود ایستاده‌ایم. همانگونه که ایشان برای دفاع از کارگران هزینه داده، ما هم در دفاع از این وکیل با شرافت، حاضر به پرداخت هزینه هستیم.

به نقل از «امتداد»

تاریخ انتشار: دوشنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۰



شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر رای بدوی شعبه ۲۶ «دادگاه انقلاب» درباره اسماعیل گرامی، کارگر بازنشسته ۶۷ ساله را عیناً تأیید کرد

بیانیه مشترک در محکومیت حکم ظالمانه

اسماعیل گرامی، کارگر سابق کارخانه کارتن سازی و فعال حقوق بازنشستگان، که در ۱۷ اسفند پس از بازداشت یکروزه از زندان آزاد شده بود، ۱۴ فروردین با هجوم وحشیانه ماموران وزارت اطلاعات به خانه اش مجدداً بازداشت شد. ماموران که تلفن های همراه او و اعضای خانواده اش را ضبط کرده بودند این کارگر بازنشسته را به بند ۲۰۹ زندان اوین و سپس به زندان فشافویه منتقل کردند. او پس از ۵ ماه بازداشت در دادگاهی چند دقیقه ای و بدون حضور وکیل در شعبه ۲۴ دادگاه انقلاب محاکمه و به ۶ سال زندان، پرداخت جزای نقدی و تحمل ۷۴ ضربه شلاق محکوم شده بود. دستگیری و محکومیت اسماعیل گرامی واکنش حکومت به شرکت او در اعتراضات بازنشستگان است که با خواست معیشت، بهداشت و درمان درخور، اداره صندوق های بازنشستگی توسط نمایندگان مستقل در شهرهای مختلف ایران تداوم دارد. این حکم سرکوبگرانه طی انتشار بیانیه مشترکی توسط اتحادیه های کارگری..... بشدت محکوم شده است. در این بیانیه چنین می خوانیم:

حکم زندان، شلاق و جزای نقدی علیه «اسماعیل

گرامی» ظالمانه است، آزادش کنید

مردمی که اسماعیل گرامی را می شناسند، به خوبی می دانند که او یک بازنشسته و معترض به شرایط ناگوار و سخت زندگی بازنشستگان است که نتیجه و ناشی از سیاست های نادرست اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است که رنج آن بر همه ی مردم تحمیل شده است! همه ی مردم دریافته اند که برای بستن دهان ها و واداشتن آنها به سکوت و عدم مطالبه ی خواسته های برحق، احکام ظالمانه به استناد اتهامات ساختگی و رنگ باخته مانند «تبلیغ علیه نظام» و یا «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور»، دستگیر و محاکمه می شوند و ناروا به زندان و شکنجه محکوم می گردند.

این اتهامات آن قدر به لحاظ حقوقی بی پایه است که در انشای احکام نیز خودنمایی می کند؛ چرا که یک نفر به تنهایی قادر به اجتماع نیست و اگر اجتماع و تبانی در کار است، پس جمعی را باید شامل باشد و نه یک فرد را. و اگر قصد ارتکاب علیه امنیت کشور در کار بوده است، باید مصادیق آن محرز و مشخص و اثباتی باشد؛ که هیچگاه چنین ادعایی اثبات نشده است.

امروز با این احکام کلی و بی اعتبار است که کارگران، معلمان، بازنشستگان، زنان، دانشجویان، و کلاً، نویسندگان، هنرمندان و کلیه ی مردم معترض به شرایط بسیار بدی که زندگی، کار، معیشت، سلامت و همه ی حقوق و آزادی ها را سلب کرده است، با این اتهامات کیفر می دهید!

آیا برای مردم جان به لب رسیده، راهی جز اعتراض وجود دارد؟ بازنشسته ای که پس از سی سال کار، خواهان آن بوده است که به معیشت و زندگی او، برابر آنچه شما قانون می دانید، اقدام به اعتراض مسالمت آمیز کند و برابر همان اصل ۲۷ قانون اساسی عمل کرده است، چرا به «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور» متهم می شود؟ آیا مسببان همین دشواری ها از گرانی و تورم گرفته تا بحران بیکاری و سلامت، مرتکب سلب امنیت از همین مردم و محکومین نشده اند؟

تهدید و اختلال در امنیت کشور با اختلاس ها و دزدی ها، مصداق آشکار، مسلم و واقعی دارد، نه با اعتراض به حق معیشت و آزادی بیان حقایق!

آنچه کارگران، اعم از شاغل یا بازنشسته، خواسته و دنبال کرده اند، «حق داشتن تشکل آزاد و مستقل»، «حق برخورداری از هر شکلی از اعتراض برای بیان خواسته ها و مطالبات خود» و «حق برخورداری از معیشت و رفاه و تامین حال و آینده شان» است و آقای «اسماعیل گرامی» جز اینها چه خواسته است که عملکردش، تبانی و اجتماع به قصد ارتکاب علیه امنیت کشور تلقی شده است؟



در حاشیه سفر امانوئل مکرون رئیس جمهور فرانسه به عراق

امانوئل مکرون، کارگزار امپریالیسم فرانسه، روز ششم شهریور ۱۴۰۰ به بغداد سفر کرد. هدف اصلی سفرش به عراق، پر کردن خلای حضور امپریالیسم آمریکا به دلیل شکست در عراق، سوریه و افغانستان است.

مکرون و شرکای فرانسوی همراهش در نشست منطقه ای بغداد با عنوان «همکاری و مشارکت» شرکت کردند. همکاری با کی؟ و مشارکت در چی؟، پرسش هایی است که پاسخ آن در حوصله این متن نیست.

امانوئل مکرون، نماینده ی امپریالیسم فرانسه به مانند همه کارگزاران امپریالیست ها، آدمی ریاکار، دروغگو و مثل مارخوش خط و خال مودی و فربیکار است. اودراین جلسه طی سخنانی گفت: «همه ی ما میدانیم که «داعش» هنوز یک تهدید است. از این رومهم نیست آمریکایی ها چه تصمیمی می خواهند بگیرند، ما اینجا باقی خواهیم ماند تا با تروریسم بجنگیم».

امپریالیسم فرانسه از زبان «مکرون» اعلام می کند که می خواهد با داعش و تروریسم در عراق و منطقه بجنگد !!!؟؟

«زیرکی خندید و گفت: به العجب کاری پریشان عالمی!» در تاریخ ۱۹ آگوست ۲۰۱۹، مقامات فرانسوی گزارش دادند که «حدود ۴۵۰ شهروند فرانسوی - شهروند فرانسوی - مرتبط با داعش در سوریه زندانی و یا در اردوگاه پناهندگان به سر می برند».

حال چه تعداد داعش شهروند فرانسوی در عراق و سوریه به دست نیروهای مردمی کشته شدند برنگارنده این متن معلوم نیست؟!

وقتی میگوییم امپریالیستها ریاکار و (مارمودی) هستند، سر

«اسماعیل گرامی» و ده ها زندانی محکوم با این نوع اتهامات؛ مردم و صاحبان واقعی این کشور هستند که با اقدام علیه امنیت وطن، خودزنی نمی کنند، چرا که وطن آنها این خاک است و نه سرمایه ها و حساب های بانکی داخل و خارج و یا سرمایه هایی که دست پروردگان، آفازدها و دزدان با چراغ با خود می برند و شما «منادیان امنیت» برای محاکمه ی آنان و حتی کسانی از آنها که بنا به دلایل روشن و مشخص موارد اتهامی، بازداشت شده اند و در زندان (آن هم به بهترین شکل از آنان پذیرایی و مراقبت می کنید!) اراده ای در کارتان نیست! این چگونه امنیتی است که کارگران، معلمان، زنان، دانشجویان، نویسندگان و وکلا یعنی نیروهای مولد ارزش و فرهنگ آن را تهدید می کنند؟

ما امضا کنندگان این بیانیه با اعتراض مجدد به همه ی احکام صادره که تا کنون در نظام قضایی کشور علیه تمامی فعالان صنفی، مدافعان حقوق اساسی مردم، نویسندگان، سایر زندانیان سیاسی - عقیدتی، مردم معترض و سایر روشنفکران روا شده است، خواهان آزادی بی قید و شرط آنان هستیم.

- ۱- سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه
- ۲- سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
- ۳- گروه اتحاد بازنشستگان
- ۴- اتحاد بازنشستگان
- ۵- انجمن صنفی روزنامه نگاران آزاد تهران
- ۶- اتحاد سراسری بازنشستگان ایران
- گروه زنان بیدارزنی
- ۷- کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری
- ۸- کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری ایران
- جمعی از بازنشستگان کارگری استان لرستان لرستان
- ۹- شورای بازنشستگان ایران

بی حزبی کارگران، شعاری انحرافی
است!

چند یادداشت کوتاه سیاسی



آمار تکان دهنده از سفره مردم زحمتکش ایران

۷ دهک جامعه در معرض سوء تغذیه هستند؟ طبق گزارشات رسمی، سرانه مصرف گوشت، برنج و لبنیات مردم ایران کاهش داشته است. آخرین بررسی‌ها هم نشان می‌دهد در سال ۹۷، شرایط اقتصادی به گونه‌ای بوده که هفت دهک جامعه نتوانسته‌اند کالری مورد نیاز خود را تامین کنند. حالا سوال اینجاست که آیا ایرانیان با سوء تغذیه مواجه هستند؟

فقط سفره دهک‌های کم درآمد کوچک نشده. تورم، حتی روی مصرف بالاترین دهک‌های جامعه هم اثر گذاشته و میزان مصرف مواد غذایی آنها را هم کاهش داده است. کاویانی، کارشناس اقتصادی:

مردم بخشی از مصرف مواد غذایی را حذف کرده‌اند. اما چیزی جایگزین این مواد نشده است.

تا سال ۹۸ مردم کمبود کالری خود را با قند و شکر جبران می‌کردند. اما در سال ۹۹ قیمت قند و شکر هم افزایش داشته و برخی خانواده‌ها توان خرید آن را هم ندارند. برای همین موضوع سوء تغذیه در ایران جدی است.

مجموع مصرف گوشت در یک خانوار دهک اول در ماه زیر ۴ کیلو گرم است. یعنی از گوشت مورد نیاز ماهانه یک فرد هم کمتر است!

میزان مصرف ماهانه لبنیات در این خانوارها هم ۸ کیلو است. اما هر فرد باید روزانه ۵۰۰ گرم لبنیات مصرف کند که نمی‌کند.

این آمارها سرانه مصرف مردم در سال ۹۷ و ۹۸ است. سال‌هایی که تورم آن بسیار کمتر از سال ۹۹ و ۱۴۰۰ بود.

علاوه بر این ۶۰ درصد درآمد خانوار صرف هزینه‌های مسکن می‌شود و مردم با ۴۰ درصد باقی‌مانده باید سایر هزینه‌ها را بدهند، به نظر می‌رسد داشتن سرپناه و دیگر هزینه‌ها بر تامین کالری مقدم است.

پس از شیوع کرونا، مصرف گوشت قرمز حدود ۷۲ درصد از خانواده‌های افراد بیکار شده، کاهش جدی پیدا کرده و

سوزنی سخن به گزاف نمی‌گوییم.

امانوتل مکرون، این گماشته‌ی کلان سرمایه داران فرانسوی، تبلیغ علیه باورهای مسلمانان و کشیدن کاریکاتور از پیامبر مسلمانان، که به هیچ وجه سرشت دفاع از آزادی بیان را ندارد، مجاز و دفاع از آزادی بیان و قلم می‌داند، اما در عراق به شهر کاظمین و کربلا و به دیدار «حرمین شریفین» و اماکن «مقدس» مسلمانان می‌رود. از مسجد النوری که «البغدادی» بر بالای منبر آن «دولت اسلامی شام و عراق» را اعلام کرده بود، بازدید می‌کند. و چون کاخ الیزه از قبل و از سرریاکاری، اعلام کرده بود که حمایت از مسیحیان خاورمیانه بخشی از سفر مکرون به عراق است، لذا برای عوامفریبی مسیحیان فرانسه، از کلیسای تاریخی «بانوی من» موصل که توسط داعش به شدت تخریب شده بود دیدن مینماید!

در این دیدار «نیقودیموس داودمتی» کشیش کلیسای ارتدوکس موصل از رئیس جمهور فرانسه می‌پرسد: «وقتی داعش در روز روشن آمد و ما را آواره کرد شما کجا بودید و این دولت‌های بزرگ کجا بودند و چرا هیچکدام علیه داعش نایستادید؟!»

«پاسخ» مکرون راهیچ رسانه ای پخش نکرد. چون اساسا مبارزه ای علیه داعش در کار نبوده و نیست.

پس از بازگشت امانوتل مکرون و شرکای همراهش به فرانسه، کمپانی فرانسوی «توتال» قراردادی به ارزش ۲۷ میلیارد دلار با حاکمان فرومایه عراق امضا میکند و به بورژوازی غرب می‌فهماند که زیارت کربلا و قبور امامان شیعه با چاشنی شارلاتانیسم سیاسی چه برکاتی برای امپریالیست‌ها و مشخصا امپریالیسم فرانسه به همراه دارد.

باتوجه به مقاله کوتاه فوق این پرسش اساسی مطرح میشود که آیا خطر اصلی در راه پیشرفت زندگی در کشورهای نظیر عراق، لیبی، سوریه، سودان، سومالی و اکثر کشورهای آمریکای جنوبی و تقریبا همه کشورهای قاره آفریقا، امپریالیست‌های غربی به ریاست آمریکا هستند که حدود ۱۰۰۰ پایگاه نظامی در جهان دارد یا کشورهای که به رغم حاکمیت سرمایه و سیستم امپریالیستی به ناچار در موضع دفاعی و مخالفت با امپریالیسم جهانی قرار گرفته اند و به مانند امپریالیست‌های ناتویی، دشمن بالفعل حق حاکمیت و تمامیت ارضی دیگر کشورهای جهان نیستند؟

هوشیاری در مبارزه طبقاتی علیه رژیم‌های ضد خلقی و در مبارزه ملی علیه امپریالیسم، شرط اساسی و حیاتی است. شناخت هر دو دشمن داخلی و خارجی و تحلیل درست شرایط مبارزه، شرط لازم برای آزادی، استقلال و حقوق اجتماعی است. •



صدای فروپاشی جامعه را نمی‌شنوید؟

یک طلاق به ازای هر دو ازدواج؛ صدای فروپاشی جامعه را نمی‌شنوید؟

براساس آمار اعلامی سازمان ثبت احوال کشور، در استان‌های تهران، البرز و مازندران به ازای هر دو ازدواج، یک طلاق صورت می‌گیرد، به طوری که نسبت ازدواج به طلاق در دو استان تهران و البرز پایین‌ترین تعداد در سطح کشور است.

یک فقیر مطلق به ازای هر سه ایرانی؛ صدای فروپاشی جامعه را نمی‌شنوید؟ گزارش پایگاه اطلاعات رفاه ایرانیان نشان می‌دهد؛ در سال‌های اخیر، مساحت زیر خط فقر به شدت افزایش یافته تا جایی که از هر سه نفر در ایران، یک نفر فقیر است؛ تازه باید در نظر داشته باشیم که در این پایش، شاغلان فقیر را در نظر نگرفته‌اند؛ که اگر در نظر گرفته شود، از آن دو نفر، یک نفر دیگر نیز قطعاً فقیر واقعی است.

یک ترک تحصیل از هر سه دانش آموز؛ صدای فروپاشی جامعه را نمی‌شنوید؟ تا آغاز سال تحصیلی جدید یعنی ۱۴۰۱ - ۱۴۰۰ فقط یک هفته باقیست، اما سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی کشور اعلام کرد «هنوز ۲ میلیون و ۱۱۰ هزار دانش آموز نسبت به خرید اینترنتی کتاب‌های درسی خود اقدام نکرده‌اند».

امروز این سه آسیب و بحران، خانواده‌های ایرانی را به صورت جدی و فراگیر تهدید می‌کند. خانواده کوچک‌ترین و مهم‌ترین نهاد هر جامعه‌ای به شمار می‌رود، که علی‌رغم همه بحران‌ها و دگرگونی‌هایی که با آن روبرو هست، اگرچه به قول آنتونی گیدنز «نمی‌توان گفت که در آستانه زوال و فروپاشی کامل قرار دارد»، اما به شدت در معرض آسیب است و صدای فروپاشی آن از برخی جوامع به گوش می‌رسد.

بر اساس آمارها، یک سوم خانوارهای ایرانی، زیر خط فقر قرار دارند. برآورد خط فقر متوسط کشوری برای سال ۱۳۹۹، یک میلیون و ۲۵۴ هزار تومان به صورت سرانه بوده که نسبت به خط فقر سال ۱۳۹۸ رشد ۳۸ درصدی داشته است. افرادی که کم‌تر از میزان خط فقر درآمد داشته‌اند، حدود یک‌سوم جمعیت را تشکیل داده‌اند و این یعنی از هر سه نفر، یک نفر زیر خط فقر.

حال پرسش اساسی این است که آیا همه این آمارها و هشدارهایی که نسبت به فروپاشی جامعه داده می‌شود، همچنان سیاه‌نمایی است؟ همه آمارهای آمده در متن این یادداشت،

حدود ۱۵ درصد از خانواده‌های بیکار شده‌ها، حتی پیش از دوره بیکاری نیز توان خرید گوشت قرمز به صورت ماهانه را نداشته‌اند. آیا کوچک شدن سفره مردم، بیکاری و گرانی و دستمزد نازل از آسمان نازل شده است یا محصول سیاست ویرانگر سرمایه دارانه نئولیبرالی رژیم جمهوری اسلامی است که پس از گذشت چهل و دو سال انقلاب مردمی بهمن همچنان ریاکارانه بر طبل مستضعفان می‌کوبد؟



کشورهایی که بیشترین ثروت جهان را در اختیار دارند به شرح زیر هستند

ایالات متحده: ۱۰۵.۹۹ تریلیون دلار

چین: ۶۳.۸۳ تریلیون دلار

ژاپن: ۲۴.۹۹ تریلیون دلار

آلمان: ۱۴.۶۶ تریلیون دلار

انگلستان: ۱۴.۳۴ تریلیون دلار

فرانسه: ۱۳.۷۳ تریلیون دلار

هند: ۱۲.۶۱ تریلیون دلار

ایتالیا: ۱۱.۳۶ تریلیون دلار

کانادا: ۸.۵۷ تریلیون دلار

اسپانیا: ۷.۷۷ تریلیون دلار

ثروت خالص ملی به عنوان دارایی خالص ملی یک کشور شناخته میشود. یعنی کل مبلغ ارزش دارایی‌های یک کشور منهای بدهی‌های آن کشور است. این به کل ثروت خالص که توسط شهروندان یک ملت در یک زمان معین در اختیار دارد، اشاره دارد.

آمریکا با ۱۰۶ تریلیون دلار، مالک ۲۹٪ از ثروت جهان است! سهم ایران دو دهم درصد است. سازمان کمک‌رسان آکسفام در سال ۲۰۱۷ با انتشار گزارشی نوشته است که دارایی ۸ فرد ثروتمند در جهان برابر با نیمی از جمعیت جهان است، در این گزارش بار دیگر از نابرابری‌های موجود در اقتصاد جهان و زیاد شدن فاصله بین فقرا و ثروتمندان ابراز نگرانی شده است. راهی جز برانداختن این نظم انگلی سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم وجود ندارد!

زننده باد سوسیالیسم

وی در کنفرانس خبری چهارشنبه ۱۵ سپتامبر کشته شدن افراد غیرنظامی در حمله پهپادی را مجبور شد تایید کند. این جنایت بقدری آشکار بود دیگر کتمان‌ش ممکن نبود.

پیش از این مقامات رژیم طالبان اعلام کرده بودند، یک پهپاد آمریکایی به خانه‌ای در منطقه خواجه بوغرا در منطقه پانزدهم پلیس کابل حمله کرد که در نتیجه آن ۹ تن از اعضای یک خانواده کشته شدند.

آمریکا پس از این حمله مدعی شد اعضای داعش را مورد هدف قرار داده اما مشخص شد در این حمله ۷ کودک جان باخته‌اند.

این نخستین بار نیست که آمریکا و متحدین جنایتکارش مردم بیگناه و غیر نظامی افغانستان را به قتل می‌رسانند و با یک پوزش آبکی از کنارش می‌گذرند! در خلال ۲۰ اشغال افغانستان قریب به ۱ میلیون کشته و معجروح که اکثرشان مردم غیر نظامی بوده‌اند. رسانه‌های مزدور فارسی زبان در قبال این کشتارها همواره سکوت کرده‌اند. مرگشان باد!



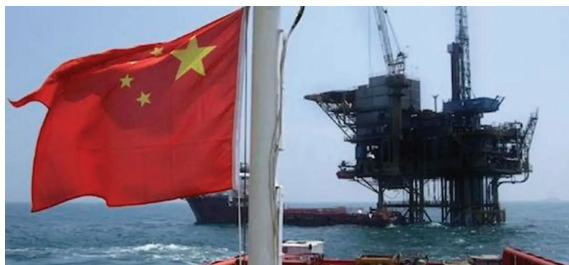
تشدید تضادهای امپریالیستی

فرانسه سفیرش در آمریکا و استرالیا را برای مشورت به پاریس فراخواند. در پی تشدید تنش در روابط فرانسه با استرالیا و آمریکا، پاریس سفرای خود در این دو کشور را برای مشورت فراخواند. این تنش در پی لغو قرارداد فروش زیردریایی‌های فرانسوی به استرالیا موسوم به «قرارداد قرن» ایجاد شد. ژان ایو لودریان، وزیر خارجه فرانسه گفت که سفرای کشورش در واشنگتن و کانبرا به دلیل اهمیت «استثنایی» اعلام پیمان امنیتی بین آمریکا، بریتانیا و استرالیا که منجر به لغو «قرارداد قرن» شد فراخوانده است.

وی افزود که سفرای کشورش به درخواست امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهوری فرانسه از واشنگتن و کانبرا فراخوانده شدند. این برای اولین بار است که فرانسه سفیرش از آمریکا و استرالیا را فرا می‌خواند.

استرالیا به دنبال اعلام پیمان امنیتی «اوکوس خرید زیردریایی‌های عادی از فرانسه را فسخ کرد تا به جای آنها از آمریکا زیردریایی با انرژی هسته‌ای تحویل بگیرد. فرانسه نقش آمریکا در فسخ این قرارداد بزرگ را به «خنجر از پشت» تشبیه کرده است. چند تنش و اختلاف بین آمریکا و

یا از منابع رسمی داخلی و یا مراجع معتبر جهانی است. آیا ما می‌توانیم چشم و گوش خود را بر حقیقت وضعیت موجود جامعه ایران بندیم و صدای این ترک‌ها را نشنویم که هشدار می‌دهد به از هم پاشی است؟/عصر ایران



چرا صدور نفت ایران به چین کاهش یافت

براساس آمار اتاق تهران، صادرات نفت ایران به چین ۹۹ درصد کاهش داشته است. بنا بر آمار اتاق بازرگانی ایران، میزان صادرات نفت ایران به چین در ۷ ماه اول سال ۲۰۲۱ حدود ۱۱ میلیون دلار بوده است. آن هم در حالی که چین تا پیش از این یکی از اصلی‌ترین مشتریان نفت ایران بوده است به نظر می‌رسد چینی‌ها در این هفت ماه نفت خود را از مجرای دیگر تامین کرده‌اند.

زیرا درست در زمانی که میزان صادرات نفت ایران به چین به ۱۱ میلیون دلار رسیده، عربستان ۲۳ میلیارد دلار نفت به چین فروخته است. دو هزار برابر ایران!

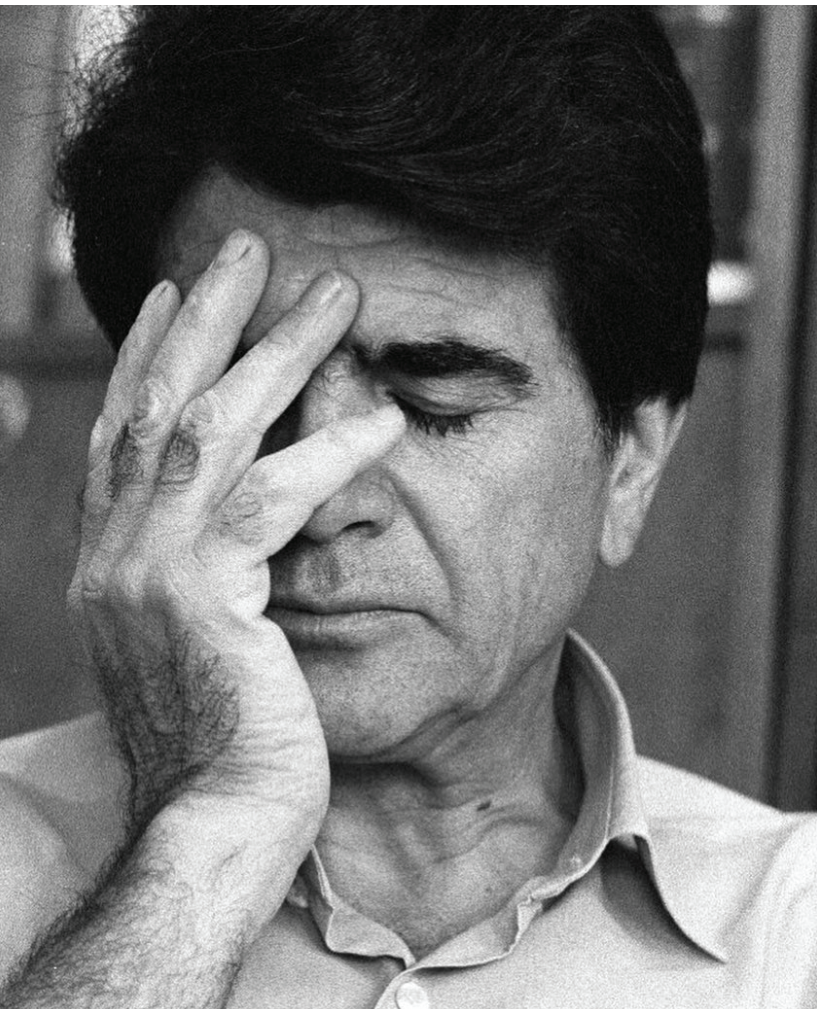
رضی حاجی آقامیری، عضو هیات نمایندگان اتاق تهران: «تحریم‌ها بر روابط ایران و چین هم اثر گذاشته و سبب شده چین از ایران نفت نخرد. البته چین تنها کشور دوستی نیست که به ناگهان سیاست‌های خود را تغییر می‌دهد.

کاهش صادرات ما با وجود امضای قرارداد ۲۵ ساله بسیار دور از انتظار بود. وقتی چنین قرارداد طولانی و استراتژیکی امضا می‌شود، معمولاً سیاست‌های عمومی هم در آن لحاظ می‌شوند



آمریکا کشتار کودکان افغانستانی را در حمله پهپادی تایید کرد

«مارک میلی» رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح آمریکا در پاسخ به پرسشی درباره کشته شدن کودکان افغانستانی در حمله پهپادی به کابل، تلویحا به این کشتار اذعان کرد و این «اشتباه» را پذیرفت.



قدرت‌های اروپایی تا پیش از به قدرت رسیدن دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۷ وجود داشت اما ریاست‌جمهوری او به اختلاف‌ها در دو سوی اقیانوس اطلس ابعاد جدیدی بخشید.

اروپایی‌ها با وجود تنش‌های متعدد با واشنگتن در دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ امیدوار بودند تا با آغاز دوران ریاست‌جمهوری جو بایدن فصل جدیدی در روابط با واشنگتن گشوده شود، امیدی که این روزها پس از خروج آمریکا از افغانستان و اعلام پیمان امنیتی «اوکوس» با مشارکت آمریکا، بریتانیا و استرالیا رنگ باخته است. پافشاری جو بایدن بر موعد ۳۱ اوت (۹ شهریور) برای خروج نظامیان آمریکایی از افغانستان باعث شد تا لندن، برلین و پاریس در برابر عمل انجام‌شده قرار گیرند...

اکنون نیز فرانسه تنها چند هفته پس از خروج شتابان نظامیان آمریکا شاهد فسخ قرارداد فروش زیردریایی به استرالیا است. پاریس از این قرارداد به عنوان «قرارداد قرن» نود میلیارد دلاری، یاد می‌کرد. یک مقام ارشد در کاخ سفید روز پنجشنبه گفته بود که واشنگتن از قبل فرانسه را در جریان اعلام پیمان امنیتی «اوکوس» و لغو قرارداد زیردریایی‌ها قرار داده بود. سخنانی که ساعاتی بعد از سوی پاریس تکذیب شد...

بحران دیپلماتیک کنونی بین فرانسه و آمریکا و درهم شکسته شدن توهم اروپایی‌ها درباره تفاوت رویکرد جو بایدن

با دونالد ترامپ ممکن است فرانسه را که چند ماه دیگر عهده‌دار ریاست دوره‌ای اتحادیه اروپا خواهد شد در پی‌گیری موضوع استقلال راهبردی اتحادیه اروپا و تشکیل نیروی نظامی اروپایی مصمم‌تر کند...

مجموعه این تضادها و از طرفی شکست مفتضحانه غرب در افغانستان نزاع بلوک ناتو را تشدید و ازدرون آن را تضعیف خواهد کرد.

کوشه‌ای از تاریخ موسیقی ایران و نقش شجریان در تکامل آن (۱)

برای آنکه بتوانیم به نقش تاریخی «شجریان» در پاس‌داشت و غنای فرهنگ غنی و ارزشمند موسیقیای ایرانی پی‌ببریم، برای آنکه نشان دهیم که «شجریان» از اتهاماتی که نابخردان، کوردلان، بی‌سوادان دهان‌بین و انقلابی‌نمایان کندذهن بر او وارد می‌سازند، مبراست، برای آنکه نشان دهیم زندگی هنری ۴۰ سال گذشته «شجریان» علاوه بر خدمت به حفظ سُنن بی‌همتای موسیقی ایران، متعهد بودن او به هنر و مردم را نشان دهیم، برای آنکه نشان دهیم که برخلاف ادعاهای گنده‌گویان، موسیقی او در خدمت مذهب و نظام حاکم نبوده و ریشه در تاریخ کهن سرزمین ما ندارد و... ناچاریم که به اختصار گریزی به تاریخ و تکامل موسیقی کلاسیک (سنتی) ایران بزنیم

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به دست مردم

تا به اهمیت نقش «شجریان» در حفاظت، ارتقاء و شکوفائی آن در دوران حاکمیت ارتجاع سیاه خرافه گرا پی ببریم.

بر اساس نشانه‌هایی که در چغامیش (از خاندان چغانیان می‌آید که در مسیر علیای جیحون می‌زیسته‌اند) یافت می‌شود، قدمت موسیقی ایران به ۳۴۰۰ سال پیش از میلاد مسیح برمی‌گردد. حتی در خوزستان قدیم ارکستر وجود داشته است و در دوره هخامنشیان سه نوع موسیقی در ایران وجود داشته است: مذهبی، نظامی و محلی. اما در دوران ساسانیان بود که موسیقی ایرانی هویت جدید پیدا کرد.

موسیقی سنتی (کلاسیک) ایران، که موسیقی «دستگاهی» نیز نامیده می‌شود، شامل «دستگاه‌ها»، «گوشه‌ها»، «نغمه‌ها» و «آوازه‌ها» است که از سال‌ها پیش از میلاد مسیح به امروز سینه به سینه در متن مردم ایران جریان داشته است. بخش بزرگی از آسیای میانه، پاکستان، جمهوری آذربایجان، ارمنستان، ترکیه و حتی یونان از این موسیقی متأثر بوده است. بنابر این موسیقی ایرانی جزو کهن‌ترین سبک‌های موسیقایی از دوران باستان تا به امروز است.

موسیقی ایرانی در دوران قبل از اسلام، در زمان حاکمیت ساسانیان، آهنگ‌هایی که به «باربد» نسبت می‌دهند، شامل ۷ «خسروانی»، ۳ «لحن» و ۳۶۰ «دستان» بوده است، که در واقع نشان از هفت روز هفته، سی روز ماه و سیصد و شصت روز سال دارد. در ادامه نشان خواهیم داد که هفت دستگاه و قریب به ۳۵۰ گوشه‌ای که امروز در موسیقی اصیل ما به چشم می‌خورد، ریشه در همان ۷ «خسروانی» و ۳۶۰ «دستان» دارد. در دربار خسرو پرویز علاوه بر «باربد»، «نکیسا» و «آبتین» نیز جزو خنیاگران (آوازخوان، نوازنده) و رامشگران بوده‌اند. ساز اصلی آنها «بَرَبط» بود که بعد از حمله اعراب آن را به عربستان بردند و بعدها با تغییراتی در عراق به «عود» تبدیل شد. در دربار خسرو پرویز در هر برنامه موسیقی نظم خاصی برای اجرای آهنگ‌ها در نظر گرفته می‌شد. یعنی هر برنامه موسیقی حاوی یک «خسروانی»، یک «لحن» و یک «دستان» بوده است.

«محمد نیشابوری» در رساله موسیقی خود (قرن ششم هجری) ابداع هفت پرده موسیقی را به «باربد» نسبت می‌دهد. «نیشابوری» در همان رساله از شخصی به نام «سعیدی» نام می‌برد که هفت پرده را به دوازده پرده ارتقاء می‌دهد. «هرچه باربد ساخت و بزد هفت پرده بیش نبود به موافق هفت کواکب، چون سعیدی فرا رسید، پرده را به دوازده رساند». هفت پرده «باربد» تا زمان یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی معمول بود.

موسیقی در دوران ساسانیان در ایران رونق بسیار داشت. اما در سال ۶۵۱ میلادی، که ایران از اعراب شکست خورد و تحت سلطه اعراب درآمد، برای یک دوره طولانی افول کرد. علی‌رغم این می‌توان گفت که موسیقی در ایران ریشه در ایران باستان دارد. موسیقی کلاسیک (سنتی) در ایران جزو فرهنگ غنی ایران بشمار می‌آید. تقریباً همه اقوام ایران دارای موسیقی محلی خود هستند.

«Henry George Farmer» بریتانیایی، که متخصص موسیقی عربی بود، (۱۹۶۵ تا ۱۸۸۲) معتقد است که «موسیقی اعراب بسیار محدود بود، بعد از فتح ایران و آشنائی با موسیقی ایران، نوازندگی را از ایرانیان فراگرفتند». اگرچه دربار حکام صدر اسلام مملو از هنرمندان ایرانی بود، اما غالباً میراث فرهنگ موسیقایی ساسانی را به عربی درآوردند. و این در حالی است که «عمر ابن خطاب» چندین هزار کتاب را سوزانده و قسمت عمده از میراث علمی و هنری ایرانیان را نابود ساخته بود.

از قرن چهارم تا نهم هجری دانشمندان و فیلسوفانی نظیر «ابونصر فارابی»، «بوعلی سینا»، «صفی‌الدین ارموی»، «قطب‌الدین شیرازی» و «عبدالقادر مراغه‌ای» در کتاب‌ها و رسالات خود میحثی را به موسیقی اختصاص داده بودند. در آن دوران دوازده مقام اصلی وجود داشته است که عبارتند از: «عشاق»، «نوا»، «بوسیلک»، «حسینی»، «حجاز»، «راهوی»، «زنگوله»، «عراق»، «اصفهان»، «زیرافکند» و «زرگ». این دوازده مقام از هفده «درجه» یا «مایه» یا «تُنالیت» اجرا می‌شدند. علاوه بر آنها ۲۴ «گوشه» نیز وجود داشته که عبارتند از: «دوگاه»، «سه‌گاه»، «چهارگاه»، «پنج‌گاه»، «عشیرا»، «نوروز عرب»، «ماهور»، «نوروزخارا»، «بیاتی»، «حصار»، «نَهْفَت»، «عُزال»، «اوج»، «نی‌ریز»، «مُبرَقَع»، «رکب»، «صبا»، «همایون»، «زابل»، «اصفهانک»، «بسته‌نگار»، «خوزی»، «نِهاوند» و «مَحْیر» به اضافه «نغماتی» مانند: «گنج بادآورد»، «گنج گاو»، «گنج سوخته»، «سروستان»، «شبریز» و «فَرخ‌روز» و ... اما «عبدالقادر مراغه‌ای» در قرن نهم، دوازده مقام موسیقی ایرانی را به شرح زیر بیان می‌دارد: «عشاق»، «نوا»، «بوسیلک»، «راست حسینی»، «حجاز»، «راهوی»، «زنگوله»، «عراق»، «اصفهان» و «زیرافکند». علاوه بر این آوازه‌های شش‌گانه: «کُوشَت»، «گردانیه»، «نوروز»، «سلمک»، «مایه» و «شهناز» نیز جزو موسیقی دستگاهی آن زمان بوده‌اند. می‌بینیم که موسیقی در ایران در گذر زمان پیوسته در حال تغییر و تکامل بوده است.

«ردیف» در موسیقی ایران نقش داشت، «میرزا عبدالله فراهانی» بود که سینه به سینه به دو فرزند موسیقی‌دان زمان خود «میرزا عبدالله» و «آقا حسینقلی» منتقل کرد. لازم به یادآوری است که «میرزا عبدالله فراهانی» ابداع‌کننده ساز «تار» نیز بود. گرچه نسخه‌های اصلی «ردیف»‌های «میرزا عبدالله» و «آقا حسینقلی» ضبط و یا مکتوب نشده‌اند، اما «ردیف» شاگردان آنها به صورت ضبط شده یا مکتوب باقی مانده است. «ردیف»‌سازی «میرزا عبدالله» ۳۵۰ «گوشه» دارد و «ردیف» آوازی «محمود کریمی» ۱۴۵ «گوشه» و «ردیف» آوازی «دوامی» ۱۸۸ «گوشه» دارند. که طبعاً بخشی از «گوشه»‌ها در آنها تکراری‌اند. یکی از محسنات «گوشه»‌ها در «ردیف» نوازی و «ردیف» آوازی این است که نوازنده یا خواننده می‌تواند با ترکیب آنها «بداهه نوازی» و «بداهه خوانی» کند.

«ردیف»‌سازی در موسیقی ایرانی گستردگی بیشتری از «ردیف» آوازی دارد. ردیف‌های «سازی» به طور عمده از «میرزا عبدالله» و «آقا حسینقلی فراهانی» نظم یافته و ردیف‌های «آوازی» به طور عمده از استادان «دوامی» و «طاهرزاده» «علینقی وزیری» بود که قریب به ۶۰ سال پیش «ردیف» را برای اولین بار به «نُت» درآورد و «درویش‌خان» نیز اولین کسی بود که «ردیف» را از دربار به میان توده‌ها برد. هنرستان موسیقی را نیز «وزیری» تأسیس کرد. در عین حال «وزیری» نوازده و آهنگ‌سازی چیره‌دست بود.

نخستین ارکستر کشور ما را هم او تأسیس کرد. «روح‌الله خالقی»، «ابولحسن صبا» و «موسی معروفی» از دست‌پروردگان او هستند. «موسی معروفی» با آشنائی که با «ابوالحسن صبا»، «نور علی برومند»، «علی اکبر شهنازی»، «رکن‌الدین مختاری» و «احمد عبادی» داشت، ردیف‌های آنان را با تار و سه تار «سلیمان روح‌افزا» ضبط و منتشر کرد. در دوران پهلوی موسیقی کلاسیک (سنتی ایران) برای اولین بار از دربار فاصله گرفت و به میان مردم رفت. **ادامه دارد**

آنچه امروزه در موسیقی اصیل ایرانی به عنوان دستگاه موسیقی جا افتاده و معمول گشته است، شامل ۷ دستگاه: «شور»، «ماهور»، «سه‌گاه»، «چهارگاه»، «راست پنج‌گاه»، «همایون»، «نوا» هستند. به اضافه ۵ دستگاه آوازی: «ابوعطا»، «بیات ترک»، «افشاری» و «دشتی» (از متعلقات شور) و «بیات اصفهان» (از متعلقات همایون)، که در مجموع ۱۲ مقام موسیقی اصیل ایران را تشکیل می‌دهند. هر کدام از این مقام‌ها خود شامل تقسیم‌بندی‌های کوچک‌تر تحت نام «گوشه» هستند که با توجه به نوع رده‌بندی به آنها ردیف «سازی» و ردیف «آوازی» می‌گویند. «گوشه»‌ها هر کدام نام مخصوص به خود را دارند که در لابلای سطور قبل از بعضی از آنها نام برده شد. در کتاب‌های «منوچهری دامغانی»، «فرخی» و دیگران لاقل در اشعار آنها به بیش از ۱۰۰ واژه برمی‌خوریم که نام‌های «گوشه»‌های موسیقی ایرانی‌اند بدون تردید این «گوشه»‌ها در زمره همان «گوشه»‌هایی هستند که در دوره ساسانیان بکار می‌رفتند.

در اینجا مایلیم به نقش «تعزیه» در ادامه حیات موسیقی دستگاهی اشاره‌ای داشته باشیم. موسیقی «دستگاهی» در طول حیات خود از بعد از حمله اعراب به ایران با ممنوعیت فراوان مواجه بوده است و لذا سال‌ها در پوشش موسیقی «تعزیه» امکان ادامه حیات یافت. در این دوره به دلیل منع سایر انواع موسیقی، مراکزی در تبریز، قزوین و اصفهان - به دلیل تجمع تعزیه‌خوانان - تشکیل شد. برگزارکنندگان «تعزیه» که به سبک‌های مختلف آوازی ایران آشنائی داشتند، توانستند از این طریق نقشی موثر در حفظ و ادامه حیات موسیقی دستگاهی داشته باشند. «تعزیه» از زمان «زندیه» کار خود را آغاز کرد، اما در زمان قاجار بود که «ملاکریم قزوینی» و «اقبال آذر» «گوشه»‌ها و «ردیف»‌ها را جمع‌آوری کردند و با همت این دو بود که ۷ دستگاه موسیقی و ۵ دستگاه آوازی و ۳۶۰ گوشه با تغییراتی حفظ شد.

«ردیف»، در تئوری موسیقی ایرانی به طرز قرارگرفتن «آهنگ‌ها» و «نغمات» موسیقی گفته می‌شود. هر یک از این «نغمات»، که به آن یک «گوشه» گفته می‌شود، جزئی از یک دستگاه یا آواز است که بر اساس روند گسترش ملودی و موقعیت مکانی در «دانگ»‌های یک دستگاه یا آواز مرتب می‌شوند. «ردیف» موسیقی ایرانی نقش مهمی در فرهنگ موسیقی کلاسیک ایران در دوره معاصر ایفاء کرده و هنوز هم می‌کند. اهمیت آن در فرهنگ موسیقایی جهان تا جایی است که ردیف‌های موسیقی ایرانی به عنوان نخستین پرونده مستقل ایران به عنوان میراث فرهنگی ناملموس نزد یونسکو به ثبت رسیده است. یکی از مهم‌ترین کسانی که در زنده نگاه‌داشتن

وی را در این زمینه برطرف نمایند. همین امر باعث شد که یک دید انتقادی نسبت به «سازمان انقلابی» داشته باشد. در کتابش در مورد وی چنین آمده است.

«سیامک لطف‌اللهی متولد ۱۳۲۱ است. وی دیپلم ریاضی را در سال ۱۳۴۱ از دبیرستان فرخی آبادان اخذ کرد و در فروردین ۱۳۴۲ برای ادامه تحصیل عازم اتریش شد. در همان سال به عضویت کنفدراسیون جهانی دانشجویان و محصلان ایرانی درآمد و همچنین عضو جبهه ملی سوم شد. در اوایل دهه ۱۳۴۰ شرایط مبارزات در جهان مانند جنگ ویتنام، به ثمر رسیدن انقلاب کوبا و الجزایر و موضع‌گیری آلبانی و چین علیه سلطه شوروی بر بخشی از جهان، جوانان و نسل جدید آن روز حزب توده را بر آن داشت تا در سال ۱۳۴۲-۱۳۴۱ از رهبری حزب برای تشدید مبارزه علیه شاه انشعاب کنند و به نام «سازمان انقلابی حزب توده در خارج از کشور» اعلام موجودیت کرده و بعدها به نام «سازمان انقلابی» ادامه یافت. لطف‌اللهی در سال ۱۳۴۳ به این سازمان پیوست.

در سال ۱۳۴۶-۱۳۴۷ با حرکت خودسرانه عده‌ای از رهبری و اعضا، کادرها و از جمله سیامک لطف‌اللهی از سازمان جدا شده و در سال ۱۳۴۸ درحالی‌که با هیچ سازمان سیاسی به جز کنفدراسیون دانشجویان همکاری نداشت در مرز ترکیه - ایران دستگیر می‌شود. صرفاً به خاطر عدم همکاری با ساواک و عدم‌پذیرش مصاحبه تلویزیونی به نفع رژیم شاه با حکم زندان ابد تا سال ۱۳۵۷ در زندان بود.

وی بعد از جدائی از «سازمان انقلابی» با هیچ سازمان سیاسی همکاری نکرد.

سیامک در خاطرات خویش روش ضد انسانی رهبران «سازمان انقلابی» را در برخورد به دو تن از رهبران جنبش کمونیستی ایران رفقا احمد قاسمی و غلامحسین فروتن در خدمت منافع روزیونیسم و امپریالیسم برملا می‌کند و به شدت به این سبک کار ضد بشری اعتراض می‌نماید.

رفیق سیامک لطف‌اللهی یک رفیق انقلابی، آرمانپرست، اصولی و صمیمی بود. وی بعد از خروج از زندان خاطرات خود را که طبیعتاً برای نسل آینده آموزنده است تا سره را از ناسره در مبارزه تشخیص دهد منتشر کرد. خلق و طبقه کارگر ایران به وجود چنین فرزندانی برای رهائی خود نیاز دارد. حزب کار ایران (توفان) درگذشت این رفیق را به خانواده، همسنگران، به همه راهروان راه سربلندی ایران و زحمتکشان ایران تسلیت می‌گوید. •



رفیقی انقلابی، یار زحمتکشان و میهندوست، ما را ترک کرد

سیامک لطف‌اللهی مبارزی ایستاده و علاقمند به ایران و سرنوشت مردم میهنش در سن ۷۹ سالگی در ۱۵ شهریور ۱۴۰۰ بعلت بیماری ناشی از ویروس کرونا در تهران جهان را بدرود گفت.

سیامک لطف‌اللهی از نادر کسانی است که تلاش کرده در برخورد به مبارزه‌ای که بر ضد روزیونیسم خروشچف در اروپا و در درون حزب توده ایران در گرفت، در بازگویی آن تا حدودی جنبه بی‌طرفی را حفظ نماید. وی به نقش نشریه توفان و رفقای انقلابی احمد قاسمی و غلامحسین فروتن در مباره با روزیونیسم و برافراشتن پرچم مارکسیسم لنینیسم اشاره می‌کند که از این بابت مورد نقد یاران سابق خود قرار گرفت. سیامک برای اینکه دروغ‌هایی را که حتی هم پیمانان سابقش در مورد توفان رواج می‌دادند، خنثی کند با رفقای توفان تماس گرفت و خواهان آن شد که کمبودهای اطلاعاتی و یکجانبه



به مناسبت بیستمین سالگرد حمله تروریستی در نیویورک ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۱

یادداشت روز

امروز بیستمین سالگرد حادثه فروریختن برج دوقلوس است. در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ با حمله تروریستی به دوبرج دوقلو در نیویورک، جرج بوش رئیس جمهور تروریست آمریکا جواز رسمی تجاوز به ممالک نفت خیز و استراتژیک افغانستان و سپس عراق را دریافت کرد و آن را در قالب مبارزه علیه تروریسم و «جنگ تمدنهای ساموئل هانتینگتون» برای تحقق نظم نوین در خاورمیانه به پیش برد. جنگی امپریالیستی و تجاوز کارانه ای که میلیونها انسان در اثر آن جان باختند. این همان نظم نوین چرک و خونی بود که آمریکا برای بدست گرفتن کنترل انرژی فسیلی و سایر منابع طبیعی خیز برداشته تا از این طریق به تثبیت سرکردگی خود در رقابت با سایر امپریالیست ها بویژه چین که بشدت به انرژی فسیلی وابسته بود پردازد که سرانجام با شکست روبرو شده است.

اکنون ۲۰ سال پس از واقعه ۱۱ سپتامبر، مردم جهان شاهد بربریت و ویرانی هزار بار مصیبت بارتر و عظیم تر از گذشته را

که یاد آور کشتار و تجاوز به خلق ویتنام است می باشد. میلیونها کشته و مجروح در عراق و افغانستان و لیبی و سوریه، یمن ... چندین میلیون آواره در سراسر جهان حاصل تجاوز امپریالیستی و لشکر کشی به ممالکی است که زیر بار زورگویی ابر قدرت آمریکا نرفتند. تمام اشک تمساح ریختن و تبلیغات رسانه های بورژوازی به مناسبت ۱۱ سپتامبر را باید در چهارچوب توجه اهداف استراتژیک امپریالیستی مورد بررسی قرارداد و سکوت معنی دار و راسیستی این رسانه ها در مورد قتل عام خلق های عراق، افغانستان، لیبی و سوریه و فلسطین و لبنان و یمن ... را محکوم کرد. امپریالیسم جنایتکار آمریکا با هدف مبارزه با «تروریسم و نابودی طالبان» بیش از بیست سال افغانستان را در تحت اشغال خود داشت و سرانجام با بیش از ۴۵۰۰ کشته و دهها هزار مجروح و علیل و بدون هیچ دستاوردی جز کشتار و ویرانی و پاشاندن فسفر سفید بر فراز مردم بی دفاع روستاها، بمباران عروسی ها، مراسم عزاداری بیمارستان ها و مدارس مفتضحانه پا به فرار گذاشت. امپریالیسم آمریکا خودش بزرگترین تروریست جهان است و نمی تواند مبارز ضد تروریسم باشد. آنها حتی یکبار نیز اشتباهات مزارع تریاک را که خودشان در آن سهیم بودند بمباران نکردند.

تنها پاسخ مرفقی و انقلابی به این بربریت تروریستی و تجاوزات جنایتکارانه به ملل، تبلیغ همبستگی بین خلقها و سوسیالیسم بعنوان تنها آلترناتیو این نظم پوسیده و ضد بشری امپریالیستی است.



بازهم درباره تحولات اخیر در افغانستان و شکست امپریالیست‌های آمریکایی و ناتوئی

«به مسیر خویش ،

تاریخ ،

سپاه خلق ها را ،

بروند ، ره نماید ،

نروند ، می کشاند .

به هر آنکه بهر او خاست ،

مدد دهد ز هر سو .

و هر آنکه ضد او خاست ،

به جاش می نشاند»

این سروده کوتاه ولی نغز ، اشاره به تحولات و دگرگونی های تاریخ بشریت و به عبارتی ، نگاهی به اصل بنیانی «ماتریالیسم تاریخی» دارد که در حرکت آرام و روبه تکامل خویش ، تلاش های بیهوده و عبث برده داران دوران «برده داری» ، شاهان و اشراف و کلیسای زمان «فئودالیسم» و قدر قدرتی امپریالیست ها در «سیستم سرمایه داری» را برای «حفظ قدرت و بقای ابدی خود» عیان می سازد . امپریالیست ها و صاحبان سرمایه های انحصاری و مالی غرب به رهبری آمریکا با انواع ترفندها و باگردن کشی تمام در تلاشند که مسیر تاریخ را به نفع خود تغییر داده تا شاید بمانند امپراتوری های رُم ، اعراب ، مغول ، عثمانی ، انگلیس و غیره از سقوط و اضمحلال خویش جلوگیری نمایند ! برای نیل به چنین هدفی ، زمین را غرقه به خون و طبیعت زیبا و دلگشا را به نابودی می کشانند . درمصاد با قدرت های نوظهور ، بویژه چین که بازارهای جهانی را قبضه کرده است ، با قلدری تمام و به زور اسلحه و دلار ، خاورمیانه نفت خیز را به خاک و خون می کشند

بلکه صدور نفت این منطقه به چین رادراختیار گیرند . افغانستان را به اشغال نظامی درمی آورند تا بر آسیای میانه (مرکزی) تسلط پیدا کرده و با ایجاد پایگاه های نظامی ، کشورهای «یاغی» ایران و چین و روسیه را تحت کنترل داشته باشند !

ولی علیرغم چنین جنگ افروزی ها ، در ایران ، عراق ، سوریه ، یمن و افغانستان شکست می خورند و زخمی و سرافکنده ، دست از پا درازتر ، به گُنام خویش باز می گردند و قادریه درک این حکم تاریخ نیستند که اتخاذ چنین سیاست های قلدرمآبانه ، به نوعی کشتی به خشکی راندن است . به گفته حافظ :

«عرض خود می بری و زحمت ما می داری» .

منطق خرد تاریخ ، برای انسان ها و برای همه موجودات زنده ، در آزادی و استقلال زیستن است . هیچ نیرویی حتی بزرگ ترین قدرت های جهانی ، در دراز مدت ، قادریه بند کشیدن این خواست طبیعی آدمیان نیست . حتی اگر این نیرو بخواهد «مذهب» باشد که نفوذی عمیق هزاران ساله در مردمان پنج قاره دارد ! مسیحیت دوران قرون وسطی ، باتمام خشونت سُبانه اش ، بامحکمه ی تفتیش عقایدش وزنده سوزاندن بیش از ۳۲۰۰۰ انسان دانشمند و متفکر ، «ره به ترکستان» برد . شیعه خمینی هم به رغم بگرویند و کشتارهای اوایل انقلاب ، خود تیشه به ریشه «اسلام عزیز» زد و عاقبت شمشیر و سپرش را به زمین گذاشت و توسط مردمی که عاشقش بودند ازما به کف خیابان کشیده شد . طالبان حنفی مذهب هم اگرچه فعلا در مبارزه علیه استعمار و اشغال گران بیگانه نیرو و مشروعیتی کسب کرده اند اما به مانند «خمینیسم» دیرپا زود با نقد ایدئولوژی عقب مانده آنان و خصوصا نحوه دولت مداری شان توسط مردم آزادی خواه و حق طلب افغان ، در کوران مبارزات طبقاتی ، عقب رانده خواهند شد . همانگونه که جمهوری اسلامی ایران مشروعیت اش را در سرنگونی رژیم وابسته شاه و بیرون راندن ده ها هزار مستشار آمریکایی بدست آورده بود ، کم و بیش و به همان اندازه هم می توان برای طالبان ، صرف نظر از ماهیت ارتجاعی هردو رژیم ، چنین مشروعیتی ، هرچند ناقص و پرازناتقاض ، قائل شد . براین اساس بدترین نوع مبارزه با طالبان و طالبانیسم و جمهوری سرمایه داری اسلامی ایران ، تکیه و درخواست «کمک بشردوستانه» از کشورهای بیگانه و استعمار گراست . زیرا که حمایت و کمک بیگانگان به مخالفان طالبان و مخالفان رژیم ایران ، در واقعیت ، حمایت از این رژیم ها و از ایدئولوژی آنان است . همان گونه که مخالفت هیستریک و غیر طبقاتی بامذهب ثمری جز تقویت مذهب در پی نخواهد داشت .

این حق مسلم ملت های جهان ، صرف نظر از تفکر ، مذهب ، نژاد ، قومیت و اندازه پیشرفت و فرهنگ و تمدن شان است که خود سرنوشت خویش را در دست بگیرند تا به آزادی ، استقلال ، دموکراسی و عدالت واقعی دست یابند .

صدور «دموکراسی» ، «حقوق بشر» ، «سکولاریسم» ، «آزادی حجاب» از جانب بیگانگان ، هر قدر هم قوانینی پیشرفته باشند ، نتیجه عکس داده و پس زده خواهند شد .

چنین مفاهیم زندگی ساز را باید در پروسه مبارزه بدست آورد و نه اینکه از بیگانگان طلب نمود •

که از این به بعد در افغانستان عدالت حکمفرماست. داودخان به افزایش حقوق زنان توجه کرد و نهضت زنان در افغانستان را تقویت نمود. وی با دو برنامه پنجساله و تأسیس کارخانه‌های بزرگ در زمان فعالیت‌های سیاسی‌اش در دولت، به بهبود وضع افغانستان موفق شد. بعد از کودتا حتی برخی از کادرهای «حزب پرچم» را در موسسات دولتی به استخدام گرفت. داود خان به شدت ضداسلامیست‌ها بود و با آنها با حمایت «حزب دموکراتیک خلق افغانستان» به سختی مبارزه نموده و درافتاد و روشی مستبدانه در پیش گرفت، به طوریکه پاره‌ای از آنان به پاکستان فرار کردند. اقدامات ضد مذهبی، اصلاح‌گرانه و مستقلانه محمد داودخان خشم روحانیت مرتجع، مالکان ارضی، امپریالیست‌ها و سوسیال‌امپریالیسم شوروی را برضد خود برانگیخت.

در زمان داودخان دانشگاه‌های افغانستان پر جوش و خروش بودند. مارکسیست - لنینیست‌ها در سایه «شعله جاوید» مبارزه می‌کردند و رویزیونیست‌ها «حزب دموکراتیک خلق افغانستان» را که جنبه قومی پشتونی داشت فعال ساخته بودند. «حزب پرچم» که آنهم رویزیونیستی ولی با ترکیب تاجیکی بود گروه دیگری را تشکیل می‌داد که مدتی با رویزیونیست‌های «حزب دموکراتیک خلق افغانستان» بیعت کردند. رویزیونیست‌ها در شرایط دموکراتیکی که در افغانستان وجود داشت، قادر شدند به مجلس راه پیدا کنند. این شرکت در مجلس تنها حاکی از نفوذ نسبی آنها در پایتخت کابل بود. کابل در آن زمان تنها ۲۰۰ هزار نفر جمعیت داشت که حاکی از ضعف نفوذ رویزیونیست‌ها در خارج مرزهای کابل و در سرتاسر افغانستان یعنی در روستاها بود که در جنبه سنت‌های دینی و عشیرتی، طایفگی اسیر بودند و منبع تغذیه جریان‌های مرتجع اسلامی محسوب می‌شدند. در آن زمان بیش از ۳/۴ خاک افغانستان را روستاها تشکیل داده و اکثریت عظیم ۱۳/۵ میلیون مردم در روستاها زندگی می‌کردند. رویزیونیست‌ها تلاش داشتند با اشاره به انتخاب نمایندگانشان در مجلس افغانستان و بزرگنمایی نیروی خود مدعی شوند که کودتای استعماری آنها به علت دارا بودن «پایگاه توده‌ای»؛ حقانیت داشته است. این ادعا حرف پوچی بیشتر نبود. ماهیت طبقاتی این حزب نه کارگری بود و نه دهقانی، بلکه از دل جامعه‌ی روشنفکری کابل، از میان بروکراسی دولتی، خرده‌بورژوازی فقیر و حتی میانه‌ی شهری به وجود آمده بود، نفوذ آنها بیشتر محدود به شهر و به ویژه پایتخت بود و نه در روستاها که بیش از ۹۵ درصد مردم افغانستان در آنها زندگی می‌کردند. آن هم در جامعه‌ای که فقط ۲٪ جمعیت روستایی‌اش سواد خواندن و نوشتن داشت. طبقه کارگر افغانستان نیروی ناچیزی را در این کشور تشکیل می‌داد تا بتواند دیکتاتوری پرولتاریا را اعمال کند. در کنار فعالیت «چپروانه» رویزیونیست‌ها که مستقیماً به دین حمله کرده و خداناباوری را تحت عنوان ماتریالیسم حتی در نمایشات اعتراضی خویش تبلیغ می‌نمودند، مقاومت‌های



کودتا و اشغال افغانستان به دست سوسیال امپریالیسم شوروی و توجیه نقض حقوق ملل توسط رویزیونیست‌ها

تلخیصی از مقاله توفان ارگان مرکزی حزب کارایران شماره ۲۵۹ مهر ماه ۱۴۰۰

نگاهی به سیر رویدادهای افغانستان به دست عمال شوروی و بر خلاف مصالح کشورافغانستان؛ برای خلق‌های منطقه بسیار آموزنده است. تجاوزواشغال افغانستان توسط شوروی، رویزیونیست‌ها را در جهان و به ویژه درایران چه در آن زمان و چه در شرایط شکست و فرار مفتضحانه آمریکا از افغانستان، در وضعیت بدی قرار داده است. آنها ناچارند بر تجاوز و اشغال و فرار آمریکا چشم ببندند و آن را مسکوت بگذارند، زیرا پای ارباب سابق آنها نیز به میان می‌آید. سرپای نشریات رویزیونیستی فقط حمله به ماهیت ارتجاعی طالبان و حمایت شرمگینانه از امپریالیسم متجاوز و اشغالگر آمریکاست. به سابقه امر رجوع کنیم.

شوروی‌ها نخست در افغانستان به دست عمال خویش در ارتش، دولت محمد داودخان (۱۹۷۳ تا ۱۹۷۸) را به عنوان کاتالیزاتور برای کسب آتی تمامی قدرت بر سر کار آوردند. محمد داود خان به عنوان نخستین رئیس جمهور افغانستان، نظام پادشاهی آن کشور به رهبری محمدظاهرشاه پسرعمویش را سرنگون کرد و به انجام اصلاحاتی در درون افغانستان در زمینه ارضی اقدام نمود. وی سیاستی ترقیخواهانه داشت و مدعی شد

بود که با تجاوز نیروی خارجی و اشغال افغانستان توسط ارتش روسیه پدید آمده بود.

بیرک کارمل برای نجات خود حتی به ایران نزدیک شد و نامه‌ای برای آیت‌الله خمینی ارسال کرد و وی را برادر بزرگوار خود خواند و سلام گرم خود و ملت افغانستان را برای وی ارسال کرد. دولت ایران به نامه این گماشته روس در افغانستان پاسخی نداد. روس‌ها در بن‌بست گیر کرده بودند و با تسلیحاتی که آمریکایی‌ها برای مجاهدین می‌فرستادند که اتفاقاً زمینه حمایت مردمی را بر خلاف دروغ‌های روس‌ها در افغانستان داشتند، راهی برای صد هزار نظامی اشغالگر روسی باقی نماند تا با سرافکنندگی خاک افغانستان را مانند آمریکا در امروز ترک کنند.

با روی کار آمدن میخائیل گورباچف به عنوان رئیس‌جمهوری شوروی و نزدیکی وی به آمریکا، سیاست‌های ارباب در مورد افغانستان تغییر کرد و مقدمات کنار زدن بیرک کارمل که دست‌نشانده مسکو بود آغاز شد. البته رویزونیست‌های حزب توده ایران آقای گورباچف را «کمونیست بزرگ» می‌دانستند و از تصمیماتش به دفاع برخاستند.

حال بیرک کارمل باید جای خویش را به نوکر جدیدتری می‌داد تا به سازش‌های عمیق‌تری دست بزند و بر بحران افغانستان غلبه کند.

در تاریخ ۴ مه ۱۹۸۶ بیرک کارمل از مقام منشی عمومی کمیته مرکزی «حزب دمکراتیک خلق افغانستان» کنار گذاشته شد و محمد نجیب‌الله جانشین او گردید و بعد از آن در تاریخ ۲۱ نوامبر ۱۹۸۶ مقام بیرک کارمل را به عنوان رئیس‌جمهور اختیار نمود. کارمل نیز به مسکو رفت تا رضایت اسلامیت‌ها فراهم شود. جای مهره‌ها به ترتیب عوض شد.

نجیب‌الله خان بر سر کار آمد ولی قادر نبود کوچک‌ترین اقدامی در جهت منافع مردم افغانستان و استقلال این کشور به عمل آورد و حتی روس‌ها حاضر نشدند به وی مانند بیرک کارمل که در غربت مُرد، پناهندگی داده و جان‌ش را در افغانستان نجات دهند. وی به دست اسلامیت‌ها در افغانستان به دار آویخته شد. و امروز مردم افغانستان از این عوامل شوروی به نیکی یاد نمی‌کنند. مردم افغانستان اشغال روسیه را سرآغاز همه مصائب خویش می‌دانند. البته تبلیغات عمال روسیه و فریب‌خوردگان این مجموعه برای تبرئه گذشته خودشان ادامه دارد که در تاریخ افغانستان راه به جایی نخواهد برد. آنها همیشه نسبت به سنت‌ها، فرهنگ و تاریخ افغانستان بیگانه بودند و امروز نیز در کنار فراریان آمریکائی قرار گرفته‌اند، زیرا بیش‌تر با آنها احساس «برادری» دارند تا خلق افغانستان. آنها نمی‌توانند بپذیرند که قدرت طالبان عقب‌مانده و با ایدئولوژی ارتجاعی در افغانستان، سرآغاز افشاء پوچی تمام تئوری‌های رویزونیستی آنهاست. تئوری تضاد اساسی میان «اسلام سیاسی» و میلیتاریسم آمریکا که به ابزار توجیه تجاوز و اشغال بدل شده است دیگر پشیزی خریدار ندارد. •

اسلامی از طرف دانشجویان دانشگاه کابل نیز سربلند کرد. گلبندین حکمت‌یار یکی از رهبران جنایتکار اسلامی بعدی افغانستان؛ رهبر دانشجویان مسلمان افغانی بود که در دانشگاه کابل عِلَم مبارزه علیه کمونیسم را برافراشت. در اردیبهشت سال ۱۳۵۷ دولت داودخان که زیر بار دیکته لئونید برژنف در سفرش به شوروی نرفته بود، با کودتای روسی سرنگون شد.

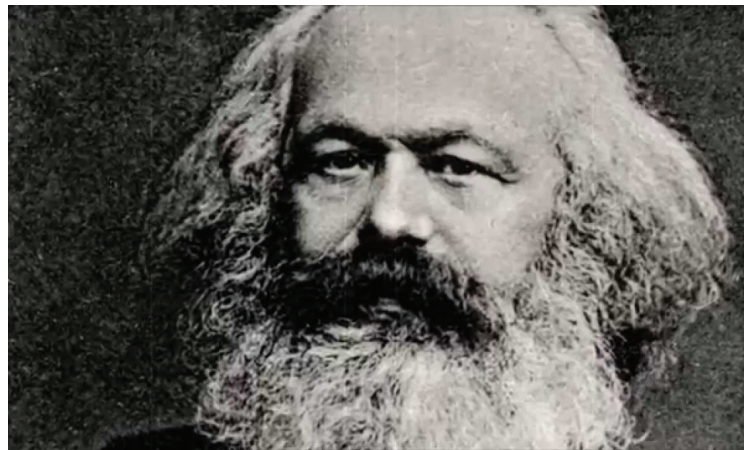
رهبران شوروی در روزهای آخر حکومت امین به این نتیجه رسیده بودند که با نگه‌داشتن امین در قدرت، خیزش مردم، ایستادگی‌ها و اعتراضات مردم و سوء استفاده آمریکا، پاکستان، عربستان سعودی را نمی‌توانند مهار کنند و ترس داشتند که در اثر این فشارهای خارجی، با ورود جهادپست‌ها به درون افغانستان به یاری سازماندهی «سیا» و سازمان امنیت پاکستان و نیز نزدیکی امین به آمریکا و پاکستان تمام افغانستان را از دست بدهند. به این جهت امین را کشتند و بیرک کارمل را که تاجیکی معتدل‌تر بود و رهبر «حزب پرچم» محسوب می‌شد که قبلاً مغضوب واقع شده و به عنوان سفیر در چکسلواکی به سر می‌برد بر سر کار آوردند.

مطبوعات شوروی در آن زمان مدعی شدند که به درخواست دولت افغانستان به افغانستان لشکر کشیده‌اند ولی واقعیت آن بود که در آن موقع حفیظ‌الله امین در گور گمنامی آرامیده بود و بیرک کارمل که تنها سفیر افغانستان بود با هواپیمای روسی از طریق شوروی به کابل پرواز می‌کرد. در واقع دولت رسمی‌ای در افغانستان وجود نداشت تا روس‌ها را برای اشغال دعوت کند. خود بیرک کارمل که دست‌نشانده محض بود با هواپیمای نظامی رسمی اشغالگران به افغانستان وارد شد. این افسانه را تنها روس‌ها برای اشغال افغانستان آفریده بودند. در دی ماه سال ۱۳۵۸ هواپیماهای شوروی یکی پس از دیگری در فرودگاه‌های نظامی افغانستان به زمین نشستند. در همان شب صدای بیرک کارمل از رادیو کابل پخش شد که خبر سرنگونی دولت امین را داد. بیرک کارمل با طنین غرور آمیزی خیر «سقوط مرگبار و واژگون شدن رژیم فاشیستی امین، این جاسوس سفاک امپریالیسم و دیکتاتور جبار و عوام فریب» را به مردم افغانستان تبریک گفت. این دومین بار بود که عمال امپریالیسم در دولت افغانستان به قتل می‌رسیدند.

به این ترتیب دفتر زندگی یک جاسوس دیگر شوروی بسته شد.

علیرغم اینکه رژیم کارمل مدعی شد که «مجازات مخالف کرامت انسانی، شکنجه و تعذیب مجاز نیست». اما عملاً در رژیم کارمل مانند دوره پیشین شکنجه، اعتراف‌گیری اجباری همراه با آزار و اذیت گوناگون و نقض آشکار حقوق بشر، به دار آویختن و تیرباران مخالفین وجود داشت.

در این دوران فروپاشی تعلیمات ابتدایی اجباری به ویژه در مناطق روستایی که زیر نفوذ قدرت مرکزی نبود، افزایش یافت. در دوران بیرک کارمل همه مشکلات گذشته که در افغانستان بود بر جای خویش باقی ماند و افزون بر آن مسئله مشکلاتی



ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده

بنابر درخواست مکرر خوانندگان محترم «توفان الکترونیکی» بر آن شدیم تا مفاهیم و مبانی فلسفه مارکسیسم را با زبانی ساده و قابل فهم برای عموم توضیح بدهیم. از اینرو هیأت تحریریه نشریه «توفان الکترونیکی» ستونی برای این امر اختصاص می‌دهد، تحت عنوان «ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده». با امید به اینکه بتوانیم از این طریق به نیاز خوانندگان این نشریه پاسخ داده باشیم.

چرا مبارزات طبقاتی، محرک تاریخ است؟

عمل و رفتار افراد متناسب با افکار آن‌هاست. این افکار محصول زندگی مادی ایشان است و به طبقه معینی مربوط می‌شود. از این بیان نباید تصور کرد که تنها دو طبقه در اجتماع وجود دارد، بلکه طبقات مختلفی وجود دارد که تنها دو طبقه آن‌ها با یکدیگر در ستیز و جدال تعیین‌کننده هستند. مثلاً در جامعه سرمایه‌داری دو طبقه در ستیز و جدال عبارتند از بورژوازی و پرولتاریا. پس باید نتیجه گرفت که افکار نمایش طبقات است. جامعه به طبقاتی تقسیم می‌شود که با هم مبارزه دارند. به این ترتیب اگر به افکاری که مردم در جامعه دارند توجه شود، ملاحظه خواهد شد که این افکار با هم تصادم و اختلاف دارند و در پرده این افکار طبقاتی، دیده می‌شود که آن‌ها هم در مبارزه و معارضة هستند. از اینرو قوای محرکه تاریخ، یعنی چیزی که تاریخ را به وجود می‌آورد، مبارزه طبقاتی است. مثلاً اگر به کسر دائمی بودجه توجه کنیم، دیده می‌شود که دو راه حل بیش‌تر ندارد، یکی عبارتست از صرفه‌جویی، استقراض، وضع مالیات‌های جدید و سایر اقدامات مالیاتی، دیگری تحمیل کسر بودجه به اعیان و اشراف. در این میان یک کشمکش سیاسی درمی‌گیرد. عده‌ای «تأسف» می‌خورند که چرا در این مورد موافقت تام حاصل نمی‌شود، ولی یک فرد مارکسیست درصدد کشف کردن و فهمیدن راز این جنگ سیاسی برمی‌آید، آن وقت یک مبارزه اجتماعی را کشف می‌کند که در واقع همان مبارزه طبقاتی است. آنجاست که می‌بیند سرمایه‌داران (کاپیتالست‌ها) طرفدار مالیات‌های نوع اول

و (طبقات متوسط و پرولتاریا) طرفدار مالیات‌های نوع دوم، یعنی تحمیل کسر بودجه به اعیان خواهند بود. انگلس می‌گوید: «مسلم شده است، که در تاریخ جدید، کلیه مبارزات سیاسی عبارتست از همان مبارزات طبقاتی و تمام مبارزات استقلال‌جویانه طبقات، با وجود شکل سیاسی‌ای که به خود می‌گیرد (زیرا مبارزه طبقاتی یک مبارزه سیاسی است) سرانجام به استقلال اقتصادی منتج می‌گردد - درباره کتاب لودویگ فوئر باخ و ایدئولوژی آلمانی». نکته دیگری را باید به این مطلب افزود. عمل، میل، افکار، نمایشی است از طبقات و طبقات محصول اقتصاد جامعه است پس می‌توان گفت تاریخ را جنگ‌های طبقاتی توجیه و مشخص می‌کند و این طبقات محصول اقتصاد جامعه است. هرگاه بخواهیم یک واقعه تاریخی را توجیه کنیم باید بینیم افکار متضادی که در آن وجود داشته کدام است، از روی افکار به طبقات مدافع و مخالف آن پی می‌بریم و در دست آخر حالت اقتصادی را که شاخص این طبقات است کشف کنیم. با زهم ممکن است پرسید

که طبقات و حالت اقتصادی از کجا پیدا می‌شود (دیالکتیسیسم‌ها از این گونه سؤال‌های متناوب با کی ندارند. زیرا آن‌ها می‌دانند که ریشه هر چیزی را بایستی جستجو کرد). در فصل آینده به تفصیل به این مسئله جواب می‌گوئیم، ولی در اینجا به این پاسخ قناعت می‌کنیم که: «شرایط اقتصادی عبارت است از روابط تولید، توزیع، جریان و مصرف ثروت، و می‌توان گفت آخرین مسئله‌ای که در آن مؤثر است سیستم و طریقه تولید، و تکنیک است». انگلس در این مورد می‌گوید:

«پس از تغییری که در شرایط اقتصادی دست داد، بورژوازی و پرولتاریا به وجود آمد، یا اگر بهتر بگوئیم، طرز تولید موجد این طبقات شد. کار اهل حرفه به کارخانه و کارخانه به صنعت بزرگ تبدیل شد. استفاده از نیروی بخار، در طرز بهره‌برداری تأثیر کرد و در نتیجه این طبقات وسعت گرفتند.»

درخاتمه به توضیحات خود اضافه می‌کنیم که قوه محرکه تاریخ را می‌توان به این ترتیب خلاصه کرد:

الف، تاریخ محصول انسان است.

ب، عمل انسان که سازنده تاریخ است، نتیجه میل انسان است.

پ، این میل ناشی از افکار افراد است

ت، این افکار انعکاس شرایط اجتماعی زندگی افراد است

ث، این شرایط اجتماعی موجد طبقات و مبارزات طبقاتی است.

ج، طبقات حاصل شرایط اقتصادی است

برای روشن کردن حالاتی که این شرایط به خود می‌گیرد باید توضیح داد:

یکم افکار در زندگی ما به صورت نقشه سیاسی ظاهر می‌شود.

دوم جنگ‌های طبقاتی در پس پرده افکار به صورت نقشه‌های اجتماعی درمی‌آید.

سوم شرایط اقتصادی به شکل نقشه‌های اقتصادی تظاهر و برومی‌کند. •

این مبلغ هنگفت در حالی دود شد که هیچ تاثیری به جز تشدید تنش و ناآرامی و کشتار هزاران تن از مردم بی گناه افغانستان نداشته است.

آمارهای رسمی نشان می‌دهد در مدت دوده اشغال افغانستان، ۲۴۱ هزار نفر در نتیجه مستقیم جنگ تجاوز کارانه کشته شده اند. از این تعداد ۷۱ هزار و ۳۴۴ نفر غیرنظامی، ۳ هزار و ۵۸۶ نفر نیروهای آمریکایی و ناتو، ۷۸ هزار و ۳۱۴ نفر نیروهای نظامی و پلیس افغان و ۸۴ هزار و ۱۹۱ نفر از «نیروهای مخالف دولت» بوده اند.

به استناد آمارهای سازمان ملل متحد، افغانستان همچنین یکی از خطرناک ترین مناطق دنیا برای کودکان به شمار می‌رود. سازمان ملل توانسته است ۷۷۹۲ کشته و ۱۸۶۶۲ زخمی از میان کودکان ثبت کند. رقم واقعی احتمالاً فراتر از اینها است. زنان با ۳ هزار کشته و ۷ هزار زخمی از سال ۲۰۱۰ تا کنون در میان صدمه دیده ترین گروه ها هستند. فقط در یک سال گذشته ۳۹۰ کشته در میان زنان این کشور ثبت شده است.

جنگ در افغانستان طولانی ترین تجاوز فرسایشی تاریخ آمریکا به شمار می‌آید. از سال ۲۰۰۱ میلادی تاکنون چهار رئیس جمهوری در آمریکا در این جنگ حضور داشته اند که جملگی بانقاب بشردوستی و برقراری صلح در این کشور خسته از جنگ، بیش از پیش این سرزمین را ویران کردند.

اکنون غرب می‌خواهد با سو استفاده از روحیه خسته و ناراضی مردم و میدان دادن عده ای که فقط نگاهشان به جامعه مدنی متمرکز است، بویژه زنان و حجاب، از حجم جنایات و فقر و کشتار و ویرانی حضور ۲۰ ساله اشغال ضد بشری خود بکاهد و همه مشکلات ملت افغانستان را به یک ماه حکومت طالبان، متمرکز سازد.

مبارزه ملت افغانستان بدون در نظر گرفتن تبعات ۲۰ سال اشغال و مداخله خونین «بشردوستانه» امپریالیستی که هنوز اسناد جنایتش بدرستی منتشر نشده است، نمی‌تواند به نبرد مستقلش علیه حکومت متحجر و ضد دمکراتیک طالبان ادامه دهد. امید بستن به غرب متجاوز و ریاکار و طلب یاری از این لاشخوران بین المللی برای کسب حقوق دمکراتیک، ره به جایی نخواهد برد، با شکست روبرو خواهد شد.

فاجعه اینجاست همه این حامیان ریاکار حقوق بشر در طول دوده اشغال و کشتار زنان و کودکان افغانستانی، خاموش و خفقان گرفته بودند و امروز به یک باره از خواب خوش برخاسته از نقض حقوق بشر و نقض حقوق زنان.... سخن می‌گویند و برای ملت اشک تمساح می‌ریزند. چه وقاحتی، چه ریاکاری و تعفنی! •



افزایش فقر و گرسنگی و سوء

تغذیه در افغانستان، نتیجه ۲۰

سال اشغال امپریالیستی

به گفته «کارشناسان سازمان های حقوق بشری»، افغانستان در حال حاضر در شرایط سختی بین گسترش ویروس کرونا و بحران سیاسی قرار گرفته است.

در حال حاضر مردم افغانستان نگران نجات زندگی خود از شر «کووید ۱۹» و گرسنگی و فقر هستند.

میلیون ها از افغان ها پیش از به قدرت رسیدن طالبان در ماه گذشته در پی خشکسالی شدید، به سختی می‌توانستند غذای خود و خانواده را تامین کنند و اکنون با انزوای این کشور جنگ زده و اقتصاد از هم گسسته آن، که نتیجه طبیعی ۲۰ سال تجاوز و اشغال است، میلیون ها تن با گرسنگی روبه رو هستند.

طبق گزارش برنامه جهانی غذای سازمان ملل متحد ، در حال حاضر حدود ۱۴ میلیون نفر معادل یک سوم از جمعیت افغانستان با بحران غذایی روبرو شده اند. گزارش ها همچنین نشان می‌دهد دست کم ۵۰ درصد از کودکان کمتر از ۵ سال نیز با سوء تغذیه روبرو شده اند.

بر اساس برآوردهای دانشگاه براون آمریکا، جنگ فرسایشی آمریکا در افغانستان که سال ۲۰۰۱ میلادی در این کشور در آسیای مرکزی آغاز شده است بیش از ۲.۲۶ تریلیون دلار خرج روی دست آمریکا گذاشته است.

جهت هم از انترناسیونالیسم پرولتری دست کشیده است و تنها به منافع اقتصادی خویش در کشورها تکیه می‌کند. البته چین از یک برتری نسبت به آمریکا برخوردار است که در درجه نخست به نظر نمی‌آید در بسیاری از کشورهای جهان ما مناطق بزرگ چینی نشین داریم که حامی چین کنونی هستند این عده ارتش نهفته و خفته چین می‌باشند. حتی می‌شود همه نیروی کار چینی‌ها را در ممالک آفریقائی و یا آسیائی به عنوان این لشکر خفته به حساب آورد که در زمان خود فعال خواهند شد. به نظر ما باید تحلیل مشخص را از شرایط مشخص کرد. چین به فکر منافع اقتصادی خود است که طبیعتاً از منظر حقوق بین الملل امر مشروعی است ولی به فکر انقلاب جهانی و حمایت از جنبش‌های آزادیبخش و مبارزات کارگری نیست. سال‌های دهه شصت برای چین به پایان رسیده است و این را شما مانند روز می‌بینید. نوع نفوذ چین در جهان و به ویژه افریقا و سه قاره نمی‌تواند با همان روش‌های ورشکسته استعماری باشد که حتی به شکل استعماری شرکت‌های خصوصی با ارتش خصوصی بدل شده است. این روش برد ندارد و با اوضاع جهان نمی‌خواند.

ولی به نظر ما درگیری در این بحث فعلاً برای منافع ملی ایران و مبارزه طبقه کارگر ایران حاد نیست. برعکس ما باید امروز از پدید آمدن تضادهای موجود استفاده کنیم تا جاده ابریشم در ایران کشیده شود که ماهیت قراردادهای آن از جمله باز می‌گردد به نقش رژیم ایران که تا چه حد منافع ایران را در هنگام انعقاد قراردادها در نظر خواهد گرفت. برخورد ما به چین فعلاً در این کادر صورت می‌گیرد و تنها در بعضی مواقع به ماهیت چین نیز برخورد می‌کنیم که دوباره عده‌ای پیدا نشوند به دنباله روی بپردازند و بعد از شکست مجدد به دشمن مارکسیسم بدل شده و به ستایش آمریکا دست زنند.

موفق و پیروز باشید

قدر قدرتی امپریالیسم آمریکا در افغانستان درهم شکست



گشت و گذارک در فیسبوک، پاسخ به یک پرسش

پرسش: دوستان کوشا و محترم حزب کارایران (توفان)، ضمن سلام، مقالات جان دار و جانبدارانه و منطقی شما در مورد افغانستان را با دقت خواندم بسیار جالب بود. اما پرسش من این است آیا واقعاً چین سیستمی سوسیال امپریالیستی است و صدور سرمایه می‌کند؟ آیا حمله به چین و سرمایه داری ارزیابی کردن آن بمنفع امپریالیسم اصلی یعنی آمریکا نیست و زحمات شمارا ضایع نمی‌کند؟

پاسخ: دوست گرامی، بسیار مسروریم که مقالات توفان را به دقت مطالعه می‌کنید و ما را مورد نقد صمیمانه خود قرار می‌دهید. بطور مختصر به اطلاع می‌رسانیم که ما نظراتمان را در مورد سوسیال امپریالیسم شوروی در دو کتاب و دهها جزوه و مقاله منتشر کرده ایم و در مورد چین نیز از همان منبع الهام می‌گیریم. ما رشد سرمایه داری، بروز روزیونیسم در حزب و تحولش به سوی سوسیالیسم در حرف و امپریالیسم در عمل را بطور مشخص ارزیابی می‌کنیم. سرمایه داری چین، دولتی و انحصاری است. ماهیت حزب حاکم دیکتاتوری بورژوائی و نه پرولتری است. ایدئولوژی حاکم بر حزب همه چیز هست جز مارکسیسم - لنینیسم. چین هم اکنون بسیاری از بازارهای امپریالیست‌ها را از چنگشان خارج کرده و برای این تسلط نیازی به جنگ جهانی نبوده است ولی این به مفهوم آن نیست که برای تقسیم مجدد مناطق نفوذ وضع به همین صورت بماند و آمریکا به صلح و صفا به افول خود تن در دهد و رهبری چین را بپذیرد. چین هنوز آن قدرت نظامی را ندارد که از پس آمریکا برآید ولی با سرعت خود را به آن مرحله نزدیک می‌کند. چین در پی خریدن فرصت است و به همین

باتوفان همراه شوید

@TOTOUFAN

پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام

پرسش: دوستان توفان، شما چگونه و بطور قاطع از شکست مفتضحانه آمریکا در افغانستان سخن می گوئید، مگر طالبان نیروی انقلابی و ضد امپریالیست است که با آمریکا جنگیده باشد؟ آیا فکر نمی کنید که خود آمریکا با برنامه خود را بیرون کشیده و قدرت را آگاهانه به طالبان تفویض کرده تا همچنان بر خرمراد سوار باشد؟ از پاسختان سپاسگزارم

پاسخ: دوست عزیز، شما متأسفانه این همه تحولات سیاسی و تغییرات ژئوپلیتیک را نمی بینید، شکست آمریکا را نه تنها نمی بینید، بلکه این فرارمفتضحانه را تلویحا یک پیروزی و پرشی به جلو در جهت تحکیم سرکردگی این ابر قدرت در جهان می بینید!! این برداشت شما، ذهنی، آلوده به تئوری توطئه و دوراز واقعیات و فاکت های منتشر شده است. شما اساسا تضعیف وافول آمریکا در جهان را نمی بینید. مگر استراتژی آمریکا برای اشغال افغانستان انتقال لوله های گاز از آسیای میانه به افغانستان و دریای عمان و از این طریق به اروپا و مهمتر از این محاصر نظامی چین و روسیه و ایران نبود؟ آیا این استراتژی قرین موفقیت شد؟ یا با شکست مواجه گردید؟ چین و روسیه به صراحت از شکست استراتژی آمریکا سخن گفتند و بیرون کشیدن ارتش آمریکا از افغانستان را بنفع ثبات افغانستان، مرزهای چین و روسیه و ایران و منطقه ارزیابی کردند. اما روشن نیست شما براساس کدام اسناد و فاکت های معتبر اینهمه تحولات را با یک کلمه ساده عقب نشینی و تاکتیکی آمریکا توجیه می کنید و همه چیز را بازی پشت صحنه سیاسی و جابجایی نوکر توسط ارباب ارزیابی می نمائید!! این تحلیل نیست، عدم درک صحیح از هدف اشغال نظامی افغانستان و ندیدن دلایل

شکست و خروج مفتضحانه آمریکا از خاک این کشور است. واقعیت این است آمریکا بعد از بیست سال اشغال با ۴۵۰۰ کشته و دهها هزار مجروح و هزینه حدودا ۳ هزار میلیارد دلار مجبور شد خاک افغانستان را ترک کند. ولی این به معنای دست برداشتن از خرابکاری نیست. طالبان مزدور و دست نشاندۀ آمریکا نیست. اگر چنین بود چرا علیه اربابش بیست سال جنگید چند هزار نفر از سربازان ارباب را کشت؟

آیا واقعا خودتان به این چیزی که می نویسید باور دارید؟ ما مخالف اشغال افغانستان و سرنگونی رژیم ارتجاعی طالبان توسط ناتو بودیم و مبارزه تمام گروهای که خواهان بیرون ریختن ارتشهای متجاوز از خاک کشورشان بودند سوای ماهیت مذهبی یا غیر انقلابی و ارتجاعی از منظر عرف بین المللی و حقوق بین الملل امر درست و مشروعی می دانیم. مشکل افغانستان این بود و هست که نیروهای انقلابی در صحنه مبارزه ضد اشغال غایب بوده و هیچ نقش عملی علیه متجاوزین و خروجهشان ایفا نکردند و لذا رهبری مقاومت علیه قوای خارجی در دست طالبان قرار گرفت.

حالا شما اگر در افغانستان در طی اشغال حضور داشتید چه می کردید، شیوه مبارزه شما چگونه بود، علیه طالبان اعلان جنگ می کردید و همزمان علیه قوای اشغال گر هم می جنگیدید؟ تاکتیک شما چه بود؟ آیا با گفتن یک کلمه ارتجاعی یا مترقی و ضد امپریالیست می توانید به اینهمه مسائل پیچیده پاسخ دهید؟ خوب است از آسمان به روی زمین سفت بایستید و منطقی به مسائل پیچیده سیاسی پاسخ دهید. حزب ما فرار و خروج ارتش آمریکا از خاک افغانستان را مثبت ارزیابی می کند و از مبارزه خلق افغانستان بر علیه مداخلات امپریالیستی و کسب حقوق دمکراتیک و استقرار یک حکومت دمکراتیک حمایت می کند. حزب ما بر انداختن حکومت مرتجع طالبان را وظیفه خلق افغانستان می داند و ما از این مبارزه مستقل دفاع می کنیم و نیروهای انقلابی و مترقی افغانستان باید فقط با اتکا به نیروی خویش تکلیفشان را با ارتجاع داخلی روشن کنند. با ما در تماس باشید، برایتان موفقیت آرزو داریم.

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است



www.telegram.me/totoufan				*		کانال تلگرام حزب کار ایران (توفان)
facebook.com/hezbekar.toufan					*	فیسبوک حزب کار ایران (توفان)
twitter.com/toufanhezbkar			*			تویتر حزب کار ایران (توفان)
www.rahetoufan67.blogspot.de	*					وبلاگ توفان قاسمی
www.kanonezi.blogspot.de	*					وبلاگ ظفر سرخ
kargareagah.blogspot.de	*					وبلاگ کارگر آگاه
www.toufan.org		*				تارنمای حزب کار ایران توفان
www.toufan.de		*				تارنمای آزمایشی حزب
POSTBANK						
bank code 20110022						
bank account No.: 2573 3026 00						
IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00						
P.O. BOX 1138						
D64526 Mörfelden-Walldorf						
E-Mail: toufan@toufan.org						
Fax: 00496996580346						